



مجلس کارگران و معلمان ایران

Iranian

ارگان کمیته خراج ا ز کشور سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر سال چهارم نیمه اول اردیبهشت ۱۳۶۹

درباره تشکلهای دمکراتیک عمومی در خارج کشور

اکنون مدتی است که تشکلهای عمومی و سوسیالیستی در خارج ایران در حال شکلگیری و فعالیت است. این تشکلهای دمکراتیک عمومی در خارج کشور، برای ادا مکارای خود با مشکلات جدی و برسر هستند. انواع و اقسام مختلف این تشکلهای دمکراتیک در خارج کشور، برعلیه جنگ و... تشکیل شده اند. پس اردوهای کم و بیش کوتاه و فضا نسبت به دلایل مختلف ا را ا مکاری با وجود ما شده، منحل شده و با بردنگی آ را مکیا می روی میا روند. این پدیده بدون تردید دلایل عینی و ذهنی مشخصی دا اردو بدون شناخت ا را بن دلایل متکثر بتوان بررسی ا نتجا چاره اندیشید، بررسی که از بن مسئله در زیرخوا هدا مدونیزا بده تشکلهای دمکراتیک سوسیالیستی عمومی (چندممنوعه) که منشا آن در با جمال مورد مذاقرا رخوا ا دگرگفت به عنوان شروع بحث دربار ه موضوع فوق بوده و میدوا رسم کدا به خا لالت سازمان کارگران جنبش دمکراتیک ا بن بحث پربوا شود.

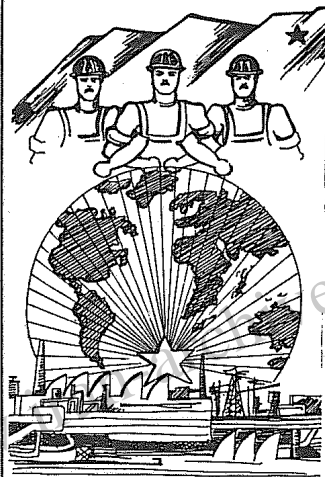
دلایل عمومی مشکلات ا مکاری تشکلهای دمکراتیک در خارج کشور، از مداخله امپریالیسم و سرمایه داری است. این گروه از طبقه کارگر در خارج کشور، با مشکلاتی مواجه است که در ادامه خواهیم دید.

بمناسبت ۶۰مین سالگرد مایاکوفسکی «رفقا، هنر نو ارائه دهید...»

در مرحله ۵

- در این شماره**
- اطلاعیه مطبوعاتی
 - ۱۲ در مرحله ۱۲
 - بسوی سوسیالیسم انسانی
 - ۷ در مرحله ۷
 - و دمکراتیک (۲)
 - آیا سوسیالیسم شکست خورده است؟
 - (جوسلوو) (قسمت دوم)
 - ۱۲ در مرحله ۱۲
 - من شاهد قتل عام زندانیان
 - سیاسی بودم (۲)
 - ۲ در مرحله ۲
 - طنز:
 - از کتوتاکامپووتر (تاریخچه مختصر)
 - ۹ در مرحله ۹

پرتوان بادپیکار بی وقفه کارگران



اول ماه بند (۱۱ اردیبهشت) خجسته بهار کارگران سراسر دنیا فرارسید. بیولنبرای نویسنده زنده روز جهانی سالی دیگر را با تجاربی افزونتر پشت سر نهاد. یکبار دیگر طبقه کارگر در مومون خود زمین، جشن سازندگان تاریخ و صاحبان زمین را برپا کرد. چندی که با جویبار خون کارگران شیکاگو در اول ماه بند ۱۸۸۶ آغاز شد و بر سر پیروزی استقلال خود، بخش بزرگی از فضای حلقان آردنیاراقبال تنگی کرد. اول ماه معربان سرطولاتی و این راه پیشای تاریخی - جهانی، از شیکاگو تا کنیر لنینگراد ره پای خود را بجای گنجایت و همچنان با گهای بولا بن به پیتی سرود. اول ماه، حقانیت خود را با تمدنی ثابت میکند که نمایانده استای بیژان و آفرینشگر طبقه کارگران ساخته شده، تمدنی که بیجودیت و آتسرفحایت بخش خود را بر زمین افزایستاده است. ۱۰۴ سال میگذرد و هنوز این روزها آسان شربت میبردند و هسر سالها شامانی بیشتر و قدرتی دوجندان به زوز آرمایشی مجدد با عمولای استعمار و سرمایه میزدند. این چگونه قدرتی است که هرچه کینالتر میشود، چوان درختی تا نور، سایه اش را بیشتر بر زمین میگزارد؟ این قدرت بیولنبرای انسانی است که تنها شایسته شان عرقه و فریض نویزی با یوزبان است. ارزش عظیم کارگران سیه، سفید، سرخپرزده و اول ماه به روزییمان این ارزش زبسی است. روز جهانی طبفانی گویای نژاد، مذهب، ملیت و زبان با خود عهدیست کهبه آینه میگذرد، چرا که رسالت سعادت بشری بر سر شانه هایش سنگینی میکند. جهان فرخ بارانیان است، مدیون اول ماه به ا گرد خساور باری اول ماه به، جنبش کارگری سازماندهی مبارزات آن بازی خور و شیکاکو بر سر خجسته ا گرد بر با ختر جلالی این تنفی هست، واگر

برویت از بخش بزرگی از که خاکی مارخت بر ستمتاست، از انجا ست کینولنبرای جهانی حتی یک لحظه رسالت خویش را از یاد نبردند. ازی ا دمکراسی آزادی، محمول علل اول ماه و نتیجه تحقق ویاداری دمکراسی و آزادی گریستیم، با پدیده قدرت و یا - باری اول ماه به، جنبش کارگری سازماندهی مبارزات آن بازی خور و شیکاکو بر سر خجسته ا گرد بر با ختر جلالی این تنفی هست، واگر

تداوم سیاستهای جنایتکارانه جمهوری اسلامی



سه اقدام کنونی حکومت در ارتباط با تنگنا که با مجموعه شرایطی است که در آن بر سر میبرد و در واقع تلاشی است برای حفظ حکومت اسلامی - دمکریه های درونی رژیم بر سر نحوه بازسازی اقتصادی و رابطه با غرب، در شرایط فلج اقتصادی و اجتماعی به گسترش بحران حکومتی و سیاسی هر چه بیشتر دامن میزند. در همین حال بر اثر گسترش غیر قابل کنترل تورم و افزایش بیکاری و فقدان کمترین روزه های آزادی سیاسی، طاقت مردم به تنگنا آمده است. جنبشهای

- سه اقدام جمهوری اسلامی در دو اخیر:
- « محاکمه مجدد زندانیان سیاسی ایران،
- « ترویکاظم رجوی در تروئو
- « وساله آزادسازی کروگانهای غربی»

بقیه در صفحه ۲

تداوم سیاستهای جنایتکارانه . . .

ادامه از صفحه ۱

خودجوش توده‌ای در روز شگاه‌ماجدیه مدارس و مشورها و حرکات اعتراضی در بارها برای از کارخانه‌ها و راه‌ریختن روبرو برای رژیم اسلامی به مدار آورده است، در چنین موقعیتی است که حکومت اسلامی برای مهار بحران و محدود کردن دامنه جنینش توده‌ای، تلاش میکند با عقب نشینی از سیاست غیرانسانی که روزگاری بر غرب رازی نگه دار و دشمن کسب حمایت آمریکا و غرب برای بازسازی اقتصاد، سکوت و فراموشی آن را در سرکوب اپوزیسیون بدست آورده و با ترویج و قتل عام کارگران و فعالین اپوزیسیون و جنینش توده‌ای، از کرگرفتن بیشتر اقدامات توده‌ای ممانعت بعمل آورد، گزارش شعیف آقای گالیندیل که محکومیت قاطع رژیم اسلامی را بهر امانداشت و سکوت و حمایت اکثریت قریب به استغناق حکومتیهای غربی - بویژه آتریش، سوئیس، آلمان، فرانسه، انگلیس، و ایالتا آمریکا در قبال اقدامهای دسته جمعی زندانیان سیاسی و ترورهاهایی که در در اختیار در ایروپورت گرفت - از جمله ترویر و بیمن جوادیه در لارنکای قبرس و عبدالرحمن قاسملور وین آتریش - نمونه‌هایی از سیاست فوق است .

ایرانیان مهاجر و پناهنده، سازمانهای دمکرات و انقلابی .

سرکوب و ترورهاهای رژیم اسلامی نشان داد که برخلاف تبلیغات عناصر سازمانهای عاقبت طلب که به استخاله رژیم اسلامی دل بسته اند، مبارزه برای دمکراسی و آزادیهای سیاسی تنها از طریق سرنگونی رژیم خونخوار جمهوری اسلامی و در مرز بندی با استبداد سلطنتی امکان پذیر است . ناگفته نباید گذشت که حکومت های غربی بر خلاف شعارهایش که برای آزادی و حقوق بشر میدهند، در سودای خود هستند و در قبال قتل عامها، سرکوبها و ترورهاهای اسلامی مزروره سکوت اخبار کرده اند، در نتیجه وظیفه است که به افکار مترقی، انسان دوست و انقلابی جهان که بیشترتیسسان مردم و مدافع آزادی، انسانیت و عدالت هستند، رجوع کنیم تا حکومت های غربی را از ارکانند که به هر شیوه ممکن جمهوری اسلامی را با خطر ترقش خشن حقوق انسانی تحت فشار گذارند .

ماضین محکوم کردن ترورهاهای کافر جوی همه دشمنان میدید که با احاسبت بیشتر فعالیت های خود را در نسل اقدامات حکومت اسلامی هماهنگ میکنند . همچنین نباید فراموش کرد که جلادان اسلامی محاکمه آزاردهنده خواهان و قهرمانان زندانیان را دوباره شروع کرده اند به بدیهه پر نامه قتل عام جدید رژیم اعتراضی کرد ، باید به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و شخصی آقای گالیندیل فشار وارد آورد تا جلوی حمام خون فرزندان رشید خلق را بگیرند .

- باهشجاری و هماهنگی ، ترویریم حکومتی رژیم اسلامی را خفتی سازیم .
- علیه شکنجه و اعدام ، و برای نجات جان زندانیان سیاسی، بیاخیزیم .
- سرنگون باد جمهوری اسلامی . برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق .

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کمیته خارج از کشور

فاردیبهشت ۶۹

۹۰ آوریل

اخطار به داداشنجویان زود انش آموزان

اخطار کتبته انقلاب اسلامی شهران به داداشنجویان و دانش آموزان اخطار کرده است که مینا چند در نظرات شرکت کنند و با هر نوع اعلان و طوف کار می نشانه از آنها سرزنش ، برهان و تیر و پرنده حسلی آنها منقض خواهد شد ، این اقدام کمیته مسرور در شرایطی کسبه اعتراضات توده‌ای وجود داشته نشان دهنده این است که شرکت دانش آموزان و دانشجویان در اعتراضات چنان است اسعه ای با یافته است که تدبیرهای اسلامی نسر و مدبرانه تر نظریه زدا شدت و شکنجه و اعدام بدگر کار را می نندارد .

سواک شاه سزدر ما های آخر حکومت شکنین بهلوی وقتی از داداش نظر هرات به اسبجال افتاده بود ، نظر هر کشتگان را در رخبا ما بنیاد دستگیر و پس از مدت کوتاهی آزاد مینموند .

رفسنتجانی و " شیطان بزرگ "

حکومت جمهوری اسلامی علیرغم فشارهای دشواری امروزه آن چنان در خوارگی و خلفی افتاده است که رفسنتجانی با سببان حملات یوش گفته که بوجدن نسبت ، بدون نسبت متقابل موجود مینماید و رفسنتجانی ریخ شده است و از گروها و نهاد اسلامی در لبنان میخواند که نسبت از خود نشان دهند و گروگانهای آمریکا را راکه در دست خود اید آزاد کنند .

بعدا از آزادی یکی از گروگانها آمریکا اعلام کرد تا ۲۷ آمریکا می دیگر در لبنان آزاد نشوند تا فرسبت حکومت اسلامی را از لیبنت کشورهای ترویر برور خارج کنند و پس از آن تسهیلات لازم در مناسبات اقتصادی قائل شوند .

قانون بر علیه بازرسایه

اخطار قاضی نوشی بصوبت مجلس شورای نگهبان رسیده که در آن متنی محازات اعدا مبرای کسبه و بازگان ناشی که از نظر دولت سوخته و رنده ما زار رسایه و شورم هستند نیز پیش بینی شده است .

قانون مذکور که با داد و خرجه های دور آن آخر حکومت شاه است به جز این نظر که بر سر خوردن کاروان فروشان در آن شدید تر است البته و مدالسته تا سل منتسحا و محترم موبیا را رسا کردن کلفت نخو؛ همد شد ، بلکه کسبه موبود سفروشان اولسن قریب نشان آن خوا هندیود .

ظفرت خود را نسبت به جمهوری اسلامی نشان دهند ، اما با ساداران به بهانه عدم کمکها از خواهانند از عملی شدن نظرات امتحالی فرد رژیم سلوگری کنند ، که ما عکس العملی شدید تر و سزوده کار به زدو خورد و دیگری انجام مید .

کلیان شهر

مآموزان شهر داری و پساداران در شیرک کسان شهرهای ۱۰۰ ما باب خانه را سببا نه غیر مجاز زدو باخت آنها و میل خرید و فروش کالاها را قزاقی و زورهای نامشروع خراب میکنند که این اقدام به بدرگیری مردم و پساداران انجام میدوعدا ای از مردم این منطقه توسط پساداران به با زدا شگاه ما منتقل شدند .

نمرا از آنها توسط پساداران حکومت دستگیر شدند ، طالب اینکه اعتراف به وقوع نظرات دیگر در مطبوعات اسلامی امری هادی شده است و آشکامک و پیش به درج تحریف شده و باق میربادزند .

جوادیه

چندی پیش در جوادیه شهران فردی بنام عارف والی زاده معروف به عارف ترکه در شیرخرا ننداری شهرهای رژیم بقصد رسد ، از آنها که این فرد بنامه اعتراف روزنامه های دولتی نیز در کنگ به هوموطنان زبان زد مردم مجلسه بوده است ، دوستداران وی تصمیم گرفتند نشیخ جنازه با شکوهی برای وی سراه اندازند و نظمی این جزاسم

اعتراضات مردم در تهران

از چند ماه قبل تا کنون در تهران و چندین شهر دیگر چندین نظرات بطریق بیسوته که همه جنبه سیاسی بخود گرفته به مروره عنوان امری عسادی شگرا میشنود .

اگرچه اعتراضات مزبور از طرف حکومت با خشونت و خونریزی روبرو شده اند اما با رغابتی از عمق برخاسته و با سرکوب آن نمیتوان جلوی آنرا گرفت شرایط زندگی غیر قابل تحمل شده است :

پارک ملت

در پارک ملت ، دانش آموزان و دانشجویان علیه حکومت اسلامی و رهبران آن به شادارادان بر داختند که ۵۰

درباره تشکلهای دمکراتیک عمومی در خارج کشور

ا داد ما رصفه !

ما جرین برخلاف همه جرین سلطنت طلب گریزان از مردم و انقلاب ۳ - ۲ سال قبل تر آغا ز سه مها جرت نموده بودند (اکنون کم و بیش دوره میباشن) و البته راه پشت سر گذاشته و به عنوان پناهنده و نپزشانو با همه جدید مستقر میشوند. وضعیت جدید همه جرین ها به عنوان پناهنده یعنی جویا ی پناهنده گئی بلکه به عنوان پناهنده پذیرفته شده یا بدتر تعریف شود. مها جرین مورد بحث ما اکنون از بز زمین مسلت تنها داند. گروه های بزرگی از آنها به تحصیل روی آورده و یا به کار مشغولند. برای همه آنها هویت با این به ماشا به یک روند گذر شده مطرح است و هر چه که در این راستا پیش میروند ماشا ل جدید و ضرورت با سخاهی از جدی برای آنها به میان می آیند. انبوهی از ماشا ل اجتماعی و فرهنگی جدید، ماشا ل خاص مها جرین ، از چگونگی مبارزه برای حقوق سیاسی و مدنی در کشورهای میزبان گرفته تا حفظ هویت ملی و فرهنگی ایرانی میباید مساج داد شود.

بنا بر این اگر ما در مکاری تشکلهای دیگران تنگ به مشیو سابق با مشکلات روبرو شده است. و این را قبل از همه باید مدلول یک عینیت شناسی بنا نهاد. نسبت به بی نسبت که هر جا که تشکلهای دیگران تنگ موقوف بوده اند. و این را قبل از هر چیز مدیون انطابق به موقع با وضعیت جدید هستند. بنگذارد به دور جزئی شریا برای از جویان عینیت جدید را با دوری کنیم: مها جرین ایرانی اکنون انما یک اقلیت ملی هستند از این زاویه دیگر آنها را نسبتوان با ماشا ل خاص پناهنده گئی مخاطب قرار داد.

مها جرین ایرانی در جا مع جدید رحتجوی هویت اجتماعی وجود هستند. نسبت آنها به لحاظ اجتماعی در درده با این قرار میگیرند. اگر چه در جاهای بسیار معمولاً چویتحصیل کرده ها و سفما منتمخمن بوده اند. بافتن کار مناسب، ا داد به تحصیل و با آموزشهای حرفه ای و ماشا ل مربوط به آنها، از راه تریسین اشتغال آنهاست.

مها جرین ایرانی و بطور خاص مها جرین پس از شروع سرکوبیها ی سال ۶۰ بعد، مشکلات فرهنگی مهمی دارند. آنها مشمولان برخی در جا مع جدید جنب نمیشوند. یعنی مشمول تشنندنیها ی فرهنگی خود را از راه تشنندنیها ی راه ای آنها در دوره یک بحران هویت جدید دست و پا میزنند و گروه دیگری به نوعی جیان وطنی تشنی و تفرسهای روی منا و روند.

فرزند آنها با پشت سر گذاشتن سالهای کودکی ماشا ل جدید را به خانوادها و دها و دها و دها ارتشهای مختلف حتی بدون عامل فرزندان نیز در همه جا حس میشود. خانوادها اگر سرترا ریبوهاده ی محکمی استوار بنا تشنند، از هم میپاشند. طلاق اسما سراسر ما دور منابند. عتیا د کم کم به عنوان یک مسئله مطرح میشود و سماروی های روانی و با دست کم بنا مهادتاری عیسی یوسور بافت میشود.

مها جرین ایرانی اگرچه بطور عینی دیگر بنا هنده نیستند. اما درخواسته ی سیاسی و منبسی جدید آنها به عنوان یک اقلیت ملی کنتر میبشورت

قبوه خانه | زبان خوق مها جرین ایرانی

- فعالیتها ی فرهنگی هنری سوشل گروهها و کمیتههای هنری وابسته
- فعاليتها ی مربوط به زنان سوشل تک کمیتهها
- مخموص
- فعاليتها ی مربوط به بننا هندگان سوشل تک کمیته مخموص
- فعاليتها ی خودیاری نظیر کلاسهای تدریس زبان فارسی ، زبانهای خارجی و غیره
- فعاليتها ی ورزشی
- آکسپونهای سیاسی مرتبط با مسائل مناستها ی مختلف

و ظا لقی که فوفا ذکر کردیم - و البته لیست فوقی تشننا موارید سیاسی و تحریقه شده را نرغمده است - شونه و ارتدوبه هیچ ؛ که عوت گوتی وجوه مختلف فعلالیت تشکل عمومی مورد بحث ما را روشن نمیکند ایجا جدید تشکیل بدون تردید به حتی مسورت 'نخو' هد گرفت و از این روما ساست بنیاور جدی از ذهنی گراشی در این زاویه گویا با مشخص شدن شکل ممکن و مناسبات ساسینا به راستی صورت میگیرد بریر هیزیم. تحریقه های تا کنونی نشان داد که تشکل مورد بحث ما و لاهورا ره در گنا رخوید تشکلهای دیگر (اما تک مضمنین) - کمیته های زنان دارند - نشان ، پناهندگان ، ... را ' خود اهدا تش و آنها سه تا حتی در دوران بنیکدیگرا دفا ' نخو ' هنده تشا نیسما ایجا تشکلهای عمومی بدون یک هسته لیسنیت از فعلالین سیاسی عملانما ممکن خود میدود. به علاوه اگر در تا سبب این تشکلهای ما قاربره اخترا زادعوا ههای سکتا ریستی که ماشا ل مثل ما عون به جان تشکلهای دیگر ؛ شیک افتا دها ست شنما ؛ درآ نورت در عمل انرژئی اصلی صرف دعوا های بسپوهه خود اندند. شابدیک روش عملی برای شروع کار این باشد که ما در راههای ارتشکلهای یک مسرفونه موجودند ش کنیم که زور فعاليتها ی فرهنگی ، هنری و سیاسی داعشی افزایش با تدویب نیای آن ایده تشکلهای عمومی طرح شود. یوا اینکه تلاش کنیم که چند تنگسکل موجود را به سمت وحدت واحد اقل هتا همگی فعالینما سوق دسیم.

اینگه ما به کده ماشپوهه عمل کنیم و نشا بتاگهای اول را برای ایجاد شکل عمومی مورد بحث چگونسه بر دایسیم ، امری فرعی است. آنچه که مهبت دارد ایستکه ما از جوجه بنسج گر فعا لیتها ی فرهنگی هنری و فعاليتها ی خودیاری برای اینکه هر تشکلی با مسانوا ندیا گرفته و ا دها محیبات دهد غفلت نکنیم.

تظاهرات حزب الله بر علیه دجایی

طی تظاهراتی که توسط حزب اللدد در تبران با اطلاع علیه دجایی برگزار شده شامی مسئول را د بوشلوسیزین جمهوری اسلامی تشنشدت مورد حمله فزرا گرفت و ی فسن دهن کچی به خواست حزب اللد برموده اسلامی کردن برنوا هها ی تلویزیون گفت ما نمیشواییم به هر دسته ای که در هر گوشه از شهر دعای را به رخیا تشا میگویند و تشا دها ، ... ، ۲۰۰ نفر نمرسد و خودشان اسم اش را تظاهرات میگذارند اما تشا دها و بیشت آنها حرکت کنیم! مسچا راه مت حزب الله!

فرموله شده است. ، مشنوند. اگر ازش مسئله ترا دبرستی و ماشا ل رفتن قرآن سعتی بدرفتاری ما خارجسان بمنوان ایجا مهمترین ننگار نشا ی ایرانیان مها جرین نظر کنیم ، ما بر در خواسته ای آنها هسنوز بصورت مشخص سوسزه به عنوان ، محمود رخو سنها ی یک اقلیت ملی در دنیا مده اند. هنوز ما بر زبان خوق - ها ن حقوق سیاسی ، حق رای ، حق شهروندی ، ... ، نیستند ، آنها در کمتر شکل عمومی منفی و احتما عی کشورهای میزبان به عنوان یک گروه مشکل کار در خواستهای و بظا فرشته اند. بدترسی محدودی سه و شل ارتباط جمعی دارند و از حد اقل امکانات ارتقا فرهنگ ملی خود برخوردار نیستند.

در عین حال بنا بدیهه این شنجره رسیده که منحصرا فعاليتها ی اجتماعی و فرهنگی و مواروات سیاسی منفی کلافا لئ است ، ایرانیان ایجا و آنها تشکلهای محدود دیگران نیک و فرهنگی هنری و غیره خود را موجود می آورند. گروههای ایرانیها در ماریا زا تند نواد - برستی در کشور میزبان فعالانه شرکت میکنند ، عده ای حتی در ماریا زها ی سیاسی ، منفی و اجتماعی غیر سراسر ایرانی فعالیت هنده ، با حاسا تنسی به ماشا ل ایران بر رخور میسکند ، در ماسا به تقریبا کلاسسه گروههای دیگر میجرین نسبتا سیاسی و زرمنده هتد کم و بیش فعاليتها ی فرهنگی هنری خاص خود را دنبال میکنند و در مراسم مختلف شرکت میکنند.

هر جا که تعداد قابل ملاحظه ای گردا بند میجرین فعالین و بسته به گروههای سیاسی شانشیدنکا ترمیم به تنگی نفس میا فتد و با مسالاح در انظار فرمعت مناس خود را دیگران نیزه امکنند شاس' زتا را ندن جمع ، دوباره به صلوحصه بنما مدها ندر فروروت انواع اقمام مزیسنده یا استادلال کنند.

- غفلت دوره ای بسیار از درخواسته های که حول آنها ، مها جرین در گذشته متشکل شده اند ، خود یکی از دلایل فعلالیت ا داد ما در مکاری تشکلهای و تقسا شکل و مخموص فعلالیت آنها بوده است ، اکنون ساسا خانعه تشنند و تشننا ی رژیم اسلامی برای دلبریا کشی حقوق بشری از غرب برای ا داد محیبات تشنکن خود ، این نوع ارتشکلهای حتی براحتی شکل نمیگیرند چه برسد به اینکه ا داد محیبات با تشا و رقبا باشد.

دفاع از زندانیان سیاسی ، ما زور به طریقه جنگ ، افتای زوربزمی اسلامی بمنوان تشننا مخموص فعلالیت ، ممکن است در آینده نیز در مفاطمی قدرت بسبب ایجاد تشننه باشد ، اما کاش تشننا ی ا داد ما در محاسول آنها شکل نخواهد گرفت ، این نکته ما را بر آن سمدار کده نگال ممکن و ا دها مگر تشکلهای مها جرین را جستجو کرده و برای ایجاد آنها گام برداریم .

به چه نوع تشکلی بنیا زادایم ؟
ما اکنون سبیا بیدر حستجوی ای نوع تشکلی با شیم که به عنوان یک سازمان دمکرا تشک همگانی سمار زه حول درخواسته های سیاسی و منبسی ایرانیان ، مها جرین سازمان هدهو در عین حال خود به مرکز تر دندو تجمع عمومی بوده ط .
تک رشته وظا لش داعشی و دوره ای را نجا دهد ؛
- محل تجمع و ترشده ارتحیبا مثل تک کاهه با



من شاهد قتل عام زندانیان سیاسی بودم (۲)

ا ماهه مصاحبه با یک رفیق تازه راه شده زخمه های مرگ جمهوری اسلامی

نه فقط در این و قتل حمار، در شما زندانیان تهران و شهرستانها شکنجه به اشکال مختلف و سیاسی بی نظیر پیش برده میشد، و این را زندانیان که زندان را به زندان آن جا میشدند تا هودنند کجکهای روانی، بویژه از آن نوع که در "حسینیه" و این رایج بود، بر خصیت روانی و رفتاری زندانی تا شیرمغرب داشت. مصاحبه های مختلف با اعتراضات توابعین، که چیدقدوسی (پسر آیت الله قدوسی) هدایت کننده و سازمانده آنها بود، عذاب آور میشد، جدا از مصاحبه ها و اعتراضات، جوری با نهر مرزا سپهر حسینیه، بو گفته ما بر زندانیان در دیکر زندانیان تهران و شهرستانها توابعین بر سر زندانیان "سرموخ" میریختند و آنها را کتک میزدند، خوابها در هر زبانه های بویژه "دولت" دهی به زندانیان، و شکنجه گران رژیم ما، آن ها هم کاری میکردند، و این پدیده در کتکها را مکاتبت کنترولوزیک و کمیت قابل ملاحظه پلیس سیاسی و نیز اطلاعات نامت آندما زما بر زندانیان، و اطلاعات زندانیان و شکنجه گران را بر بزرگوار میگذرانید، همین دلیل نیز جویی اعتمادی در زندان وجود داشت، نمونه ای را بگویم:

تا ۶۶ دوره درگیری مداوم با آنها بود، در این و کور درشت ورزش های دسته جمعی و حرکتی های جمعی ممنوع شد؛ ما ما زندانیان عکس العمل نشان میداد، دوره ها شیدا دندما با مجردها در هوا خوری، ورزش دسته جمعی شروع میشد، تا بستن ۶۶ ملاقاتها ما قطع شد، ممتاع با خود سوزی یکی از زندانیان مجاهد (بند ۳ گوهر درشت، سال ۳۱ بود که سالها لاگروفت، ا عصاب غذا در این بند شروع شد و به بندهای دیگر سرایت کرد، حکومت برای شکنستن ا عصاب غذا به شلاق و غذا خوراندن ا جبار روی آورد و به این ترتیب ا عصاب غذا را شکست، در این دوره هر کس که ورزش جمعی میکرد، شکنجه میشد، همین دوره سونوکه ۶۰ نفر از زندانیان را با اینصورت ما گرفتند در محوطه حمام ما نندی میریختند، سوندند زندانیان که از نا راحتی قلبی و نا راحتی های دیگر روح مسرودند و نا روگما آنها را بسویز میگرد، زندانیان را بی چندا عمت در این محوطه بر زنا رنگه داشتند، سوندند در همین چند ساعت دو سونوکلورن، کم میگردند، بعد از آن عصبانیه که برای زندانیان یعنی شمعاندند در این بروی آنها میگوشتند، قدوسی در این باره رژیم کشیک میدادند، بعد ا دیش از ۶۰ نفر، و بعد با کامل ویشلیتک بیلانسیک بر سروروی زندانیان، که نای حرکت نداشت میگویدند، وقتی به سندها ممان میریختیم، از زندان در و بیجان، امثل نش و لو بیستیم، همین شروع برنا ممان را در این و این اجرا میکردند، بی شک در زندانیان دیگر هم، در همین دوره ملاقاتها در زندان اوبن قطع شد و زندانیان از شروع سرکوب در این و این خبر داشتند، چنین فغای ا خراسان ۶۶ برزند آنها خاکشد.

سوال: به نظر شما چرا رژیم دست به کشتار زندانیان سیاسی زد و چگونه این کار را پیش برد؟

جواب: به نظر من از او خراسان ۶۶، که حکومت به نتیجه جنگ واقف شده بود، در اندیشه نسل کشی در زندانیان، بویژه کشتار رهبران و کادرهای سازمانها و احزاب سیاسی افتاد، در گوهر درشت که سونوکلورن شروع شد، یکی نما میخواندند، یکی میخواندند "آ" و تنگیک زندانیان سونوکلورن داد و دلگیری، ممان و زندان گوهر درشت و معاون امنیتی زندان، که کمینتی از فغان شاج داد و در جماعت بود، صورت گرفت، نما خوانها و نما زندها، نهادها بودند، و در این نما خوانها، بی موعه با سرموعه ما هم تنگیک شدند و محکومین بالای ده سال و وزیر ده سال هم همینطور. همان هنگام ما بدی ها را به اوبن بر دند و زندانیان که به قول آنها تلخ بودند را همه جا های دیگر منتقل کردند، این شکنجکها میبوه قدوسی برنا ممان میگرد، با جاشی ها از زمان موقع آغاز شد، بعد ۶۷ تعدادی زندانیان از این و این به گوهر درشت منتقل شدند، نزدیک به ۱۲۰ زندانیان "ملی کت" را هم به گوهر درشت آوردند، قدوسی بند ۱۳، کتا زندانیان جب جاداند (ملی کشیک عمتما) را جیبا بودند، آنها را شرط داد.

سناتی را برای آزادی پذیرفته بودند، مثل ا تراجار دادن و ما محاصره و بندوبستی کردن...، تعدادا دیدگر نتمبه عتوان "اطلاعات نای" و "ساعتی کنیا سوند، امنیا همکس بنا شدند، بعد از ا دست امنیا سوند نمودند، ا بررخی "آنها در رژیم قدوسی مدگر کردت داشت اما چون به خواست دادستانی تن ندا ده بودند مانده بودند، ملی کت ها و اطلاع نای ها نیز تک به ۱۵۰ نفر سوندند که نزدیک به ۲۰ نفر آنها محاصره بودند از این تعداد حدودا ۱۲۰ نفر به گوهر درشت آورده شدند، برندا زندانیان انتقالی به گوهر درشت، و به سبب افزوده میشد، و این طبیعی بود، چرا که گوهر درشت دخه خوبی برای قتل عام کردن بود، زندانیان که از نظر سبب المللی کمتر از این و این شتخته شده بود، و میشد بی سرودا کار را ختم کرد.

به هنگام کشتار ما را با نهران و نوز در استانها پذیرش قطعا ممان زمان ملل، رفتا رژیمها زندانیان سیاسی دجا در کتونی شد، ما که بویژه در ما و ممان رنگ و بک و عده غذای گرم را سندیبیم، ما هتدو سوع غذای گرم را برای زندانیان سیاسی بودیم، به تقیض غذای گرم، رفتا رما زندانیان چنان بود که در نا ریخ سیاسی ما سقیمیند، خیرهای ما در مورد جنگ و اوضاع جامعه و سوز رفتا رخوب زندانیان تا و شکنجه گران را سرخوشیم ما افزود، تصور میگردیم که رژیم ما سونو سف و نای تن است که دست ما بنگا رها میزند، اما فریب و توطئه بود، وقتی در تیرما ۶۷ قطعا ممان پذیرفته شد، زندانیان پیش از گذشت سونو خوشبختی رفت، همه اقدامات را نای ا تراجاری وقع رژیم ازیسی میگردیم، اما فغای ما اطلاع ما از زما دول تنگید، هیچکس تصور نمیگردند چندی فغای دست ما بنگا بر نندند، ما در دست در همین فغای دست به کار شدند، اما البته حاصله نظما ما حدین ممان به نا و فرستنی سونو و براد سونو ممان و ممان لثاتی ممان را نند نند و سونو را سر مور ت نگرفت، جمعا ۶۷ مردانما سونو که به دست ما بنگا ر شدند، همه امکانات ما را گرفتند، هوا خوری قطع شد، بهیاداری رفتن و ملاقات هم قطع شد، هیچگونه اطلاع ما بیرون داشتیم و سونو بریدیم ما اجرا جدی است، تصور میگردیم که از تریس شورش زندانیان است که دست ما چنین کاری میزند اما آنها قسمت مناسبی را که ما هارا در انتظار داشت سوندیم، آورده بودند، آنها در غریب دوما ما از مردانها ۷۰ بیست و ا هودج تا ۶۰ اجرا زندانیان ما بندا و

ا وسخته با به خودهای "اعدام" سرزند، بعدا حدین آنها با برنا ممان به دست دهشت به کشتار زندان، اگر هم ا قتل عام میگردند، به این خاطر بودتا سونو کشتار از ا گردن تعدادی زندانیان سونو سقا دندند و دست به شلیقنا تبرزند، اما کتا های کوتا مدت ممان سبب فغای و الکی بود، هدف، کشتار زندانیان سیاسی بود و او را در گردن تعدادی که حصاب کرده بودند متنا اتری سیاسی درجا ممان بخواد.

هیبت قتل عام با فتوای خمینی به زندان آمده بود، ممان و اشرافی و کتا دیوا کتشر دیگر، نیری اما ما اس کار سوند.

هشت ۱۲ نفر بود، با تعدادی با سارا و جلا و تعلیم دیده و ما توجیه شرعی و فغای خمینی برای قتل عام بقیعه در صفحه ۱۱

آما س کرده به سلول من آوردند، خود را و بسته به یکی از گروه های سیاسی معرفی کرد، اما ما بزودی من در کتا فتمه که اوتوا است و خبر سندی میبند و شکنجه شدن هم برای ردیم کردن است!

پدیده تواب بازی و فغانهای ا بدلولوزیک تا سال ۶۷ وجود داشت، بعد از رفتن لاجوردی و دارو دست، ش سوزند عوف کشند و با بازی ا همت خوش خوش را در جیب ا دست داد، تا این هنگام ممان تواب ا داره نگینده سندها بودند، ما پس از رفتن لاجوردی بندها به دست زندانیان سر موعه افتاد، این امسر دلیل بر روز تفسیر ا دست است، در سناست های حکومت بویژه تحت فشار و نظارتی در سندها، ما نند در زندان، اطلاعات ممان جوندان ما ز شرد و در نوعی فغای با زنگش گلرفت، ما از ۶۰ در تیرما اول تا بستن ۶۵ بود.

سالن شماره ۱۰۳ که در دست بود ما سونو سقا شکل زندانی عمومی در آمد، او سونو سقا و این با اختیار دووا ادها بست که هوا حده طبقه در سالن ۱۰۳ و متعلق به سرموعه ما بود، سالن ۱۰۳ نما خوانها و سالن های ۱۰۴ و ۱۰۶ خوابها سالن های ۱۰۵ و ۱۰۷ در بسته بودند، اما ۵ و ۴ و ۲ و ۶ عمومی بودند.

در همین دوره است که زندانیان را زحمله علی رفا تشید، هیت! اللهم عینی و علی رفا زمرندان ابد میگردند، خیدا دی از زندانیان تواب و با انسان که کتکی زمرندان نشان داد، ممان سونو، از ممان سونو، با کتشر در قتل حمار و ختله سونو سقاری زندانیان را ممان ممان را به گوهر درشت منتقل کردند، اما آن فغای باز "بیش از ۶۰ عمر نگرد، او ا خراسان تا بستن فغانها با لاگرفت، ممان تواب بازی ا و ج دوما زمرنگرفته بود که حکومت به تکریم زندانیانها افتاد، و بتدریجا آنها را تارک دند، از زمان ا و ا خراسان

رفقا، هنر نو ارائه دهید...



" من ندرسیاست، ندرشعر، ونمرفراز برای عظیم توده مردم که شونده سخلم بودند، از همزاد خویش نمی ترسیدم، اما در کار برای چنانی احسان انگیز، آنجا که بلبل من خواند، ماه فرو می تابید و تاق عشق با دمان برمی افراشت، آنجا بود که به کشتی شکستهای مانستم، ازین دیگر تر این باره چی بسزی نرسیدم، آنجا هم ازین نویسمند بودم، برین چرسی شدوما فروسی گرفت، و من احسانی می کردم که اگر مایاکوفسکی یولادین رانکتم، چون انسانی در هم شکسته زندگی را دنبال خواهم کرد."

این جملات روشنیتر و شادمانه تر از بهترین توجیه خودکشی مایاکوفسکی از زبان خود او باشد. شاعری که با انقلاب در فرم شعر، عده زیادی را در سراسر جهان به پیروی از خود داشت. مایاکوفسکی سال ۱۸۹۲ در "پاکوادی" در نزدیکی "کوتلیسا" بدنیا آمد، پدرش یک فئودال روشکته بود. پس از برگ پیشر به راه خانواده به مسکو مهاجرت کرد در سال ۱۹۰۸ هفتاد و یک سالگی به دیپلماتی بود. به عضویت حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه درآمد. در سالهای ۱۹۰۸-۱۹۰۹ با خطر فعالیت های انقلابی ۳ بار به زندان افتاد پس از آزادی از زندان از حزب جدا شد تا در اندووی خود باره تمامی ذرات برنامه ای، " هنر سوسیالیستی " نگار کرد.

اولین داستان او در سال ۱۹۱۲ منتشر کرد. در اولین قدمهای جدی زندگی هنری خود او فو توریست ها معا همرا خود بر استفاده از ابزارهای ملرو و خلاصیت برجست خود بود، به این سک هنری ضمیمی تازه بخشید. در سال ۱۹۱۵ یکی از تنظیم - کنندگان بنامیه سوویت است ها (سوویت استم در سال ۱۹۱۳ توسط لیاو لایز کوپسیم چنان شد) بود. مایاکوفسکی از همسان ابتدای فعالیت هنری خود، ناتام قدرت با سبکیهای گمنام و منوع، فرهنگ سلط و نظم اجتماعی نادرانند پس از انقلاب به هجیت شاعر، نقاشی و مبلغ ظاهر شد. حامی استوار و ثابت قدم حکومت شو را هم بود. همزمان علیه بوروکراسی در دولت، حزب و اقتصاد مبارزه می کرد. مایاکوفسکی شایان اولین کسانی بود که رنگ خطر فرسوسد السرتو کولایزی نول آسای ارتکابی لژو م شناخت و به بر سرندی آنان برای حیات آینده سوسیالیسم اعلام کرد. پس از انقلاب به راه هنرمندان نام آوری چسبون آریزشتان و بلیر هول لاف (چیهه چپ هنرمندان) را بنام نهاد و با همنامی راهب هم نام منتشر کرد که اولین شماره آن در سال ۱۹۲۳ بچاپ رسید.

مایاکوفسکی "شاعر" انسانهای خیابان " برای گسترشیدن آسان شعر خود بر فراز " تودسواژ " از بهترین ابزارهای هنری زمانه خود سو جدست. وزن شعرهای او بهریم خطابه، آهنگ، منظم بنک و ماشین و کارخانه، و برهیم حرکت های میلیون کارگران بچاپ، چپ - چپ - بود. این نورگانی عشق در مثل شعر، و شاعری قایه و نامخوانی مداوون که در زبان او

بخصوص در فرم و قالب شاعر همواره باید نورگانشد. حتی نخستین گمهای هنری مایاکوفسکی کرچه درای " ثبات یولادین " نبود، اما یک چیز در آن موح مزندوان همانا برانگری و انبام از شهای کینه و فرمای منوع و گرایش عشق به نواری و مرتبیم بود. مایاکوفسکی نگراسی گفت: " رفقا هنر نو ارائه دهید، " او شیفته دانستن " نو" و رساندن آن بگوش مخاطبان خود بود: " خواست من شنیدن ریتمهای نو و دیدن شواهندوسوس انتقال آنها به خوانندگان و شنوندگان شعرهایم است."

و اما مایاکوفسکی، این " مایاکوفسکی یولادین " که همه او را با اعتماد نفس پا او خوشیت شعریم می شناسند، " مایاکوفسکی حساس زور و تریج بود. شاعر یولادین انقلاب روسیه، در یک کلام آشنا برای ما، در شعر " ماری چپ " می گفت:

" خاموش باشید سخنوران!

این سک
نوبت ما است،
رفیق ماژور!

در جای دیگر علاقه وصف ناپذیر به تمامی جانوران و گرایش عشق به عشق و آرایش او باره " کشتی گمشده " پیوند میدهد، آنجا که در شعر " حسن رفتار ما لب " برای اسب پروخشتای میگرسیم. آری مایاکوفسکی، نیمه یولاد، نیمه گل بود. او این حالت را سر کشتی می دانست و دلیل بست و خفتر شدن زندگی در دنیا، جبل و استعمار، هرگونه منوع و قرار دادن ماهی می چون عشق، آرایش، نم و شادی را (که امروزه می توان آنها را احساساتی فراطبیعی نامید) برای خود، نازل میداند. او از همان اوان جوانی اعلام کرده بود که نمی خواهد زمانی طولانی در این جهان حقوقیت و کوچک که توان جای دادن مردی بزرگ را در خود ندارد، زندگی کند. ایران کراسی مایاکوفسکی آتقوری خود هرگونه که ابر او در خود دیده های مشخص ناتوان می ساخت و این شایر از خود کوشی " شاعر " بلنگو، " مایاکوفسکی یولادین را روشن تر از کتک های خود او نشاء دهد) کرچه خود را نوریت نامان می گوید: از شما خواهی مسکیم زندگی را تا بود، شاعر نقیاز شایمه پسردازی خوشی نمی آید.) بهرحال او انسانی بنفایت زور و تریج و احساساتی و " تنها " یولادین عشق به مهر و محبت را در خود احساس می کرد، بدانگونه که می گفت: " شاعران، بنایزی خود به مهرایی دارند، " به جز روابط خصوصی مایاکوفسکی که خود

ماجرایی تریج و خود بود، است، این تنها برای او ادانه داشت تا نشانی اش برخشی از رهبران انقلاب اکثری از جمله لنین. آشنایی با لنین برای او اوقتی دیگر شو و او را انسانی شیفته خود کرد. منظومه " ولادیمیر ایلیچ لنین " در همین رابطه سال ۱۹۲۵ منتشر کرد. این منظومه تا ما شجرات " چرا که از شیفتگی عشق و تریج روحی او تا انقلاب سخن می گوید:

" لنین
ایلیچ
زنده تمامی زندگان است.
دانش ما
فقرت
واسلحه "

تئوری عظیم بشری رفتم از روشی و درجه می خود مرا رعایت
به نقش از روی دیگر دشمنان بسیاری برای او باره " الیگانزا
تمام ابتکارات امی مایاکوفسکی نیست، او از کار برده هم و مکتب بود
رویاها، از روشها و مایاکوفسکی گزنده، و بیجده و غیر قابل فهم
و اعمای نداشت. این سک کارگر با جمله یا نکتاده گسران
مواجه شده بود (همپنروز از طرف لنین)، اما مایاکوفسکی از آنها
که " توده بواج " را در تلپ خود داشت، " شاعر انگور " را به
همگان فو توریست، او را یولادین (و شادمانی) شاعرانی بود که
شعرهای خیابان و محله و کارخانه کشاند و با صدای بلند شعر می
را برای توده امده خواند. شعرهای مایاکوفسکی، شعر دلالتهای زمین
به جواهرات عشق نیست، شعر کوچه و کارخانه است، شعری
است زمینی و برای زمین. شعری که هزاران نفر را بر سر
چهار پا، برامون خود گرد آورده و باره طلا بداند یک دیره طولانی
از حیات هنری - شعری جهان تبدیل کرد " مردم " ۱۰۰۰
گرمی ترین و نزدیکترین های من
روح را
هرچه بزرگ،
بیون می کشم
و با روی کم! -
و چونان بر جیمی
خونالود
به شامیمه "

مایاکوفسکی از بنادب وزن و ریتمهای کلاسیک و اسلامی می چه و خود مستحکی می سازد که همگان را، همه همدهای خود را به حیت می آورد و از بهای خلسی می کند که سر میسا پذیرفته می شوند. او همیشه می گوید شاعر باید نوسر میسد،

جشن اول ماه مه سال ۱۳۰۷

از اسناد فعالیت حزب کمونیست ایران در تهران

خاطرات اردشیر آوانسیان (عضو رهبری حزب کمونیست ایران)

چون با جشن اول ماه مه ۱۳۰۷

بسیار تیره و اول ماه مه بود اما یگانگاری و یکپارگی بود . این بسیا تیره از طرف مرکز است اما در آنجا هم شاد بود . درست بخاطر آنکه در آنجا همه مشکل اما شاد بود . در هر صورت اما از طرف آنجا تیره بود . در آن روز گروه های ۳-۵ نفری کارگران در محل معین یعنی در باغی که بعد بر سر آن دروازه دولت اجرا شده بود به تدریج جمع شدند . کمسیون سفیری ما موراد را به این متینگ بود (استاد همبراز علی معمار ، عطا الله ونگارنده) . کمسیون محل متینگ را قبل از آنجا نشود و بر سر آنجا تنظیم کرده و برای آنها رفتار کرده بود . همشورا زخمی ترتیب جمع آوری عده های کارگری در محل آنجا . با آن شرایط سخت ارتجاعی و نگرانی در روح میسر آمد . تنها کارگران در آنجا در دست بخاطر آنکه در آنجا در ذهن ما کارگران که در آنجا منتظر همشورا در نظر میسر آمدند . همدا همکاران که در آنجا شادان نشدند و رفتن میسر آمد . در این جشن شرکت داشتند . در آنجا جشن میخواستند . در این جشن چند نفر سماع ، مد ، وضع و رفتار کارگران ، تسلط ارتجاع و لزوم مبارزه با آن ، مبارزه در راه آزادی و استقلال ، همدردی بین المللی کارگری و وضع کشور های سوسیالیستی و دفاع از آن ، مسائل سیاسی بودند که در آن جشن دربار آنها صحبت شد . در این جشن انقلابی نیز خوا شده ، از آن جمله از اشعار لاهوتی ، کارگران در آن روز بر سر میبلود شدند ، مخارج ایمنی آنها را کارگران برده اخته بودند منتها سوخی از کارگران ، متخفین که نسبتا حقوق خوبی دریا داشتند .

میگردیدند مبلغ بیشتری داده بودند تا کارگران که روی سر بلور سالی یکبار هم میسر میسر انداخته اول ماه مه یک خوردنی عیدانه داشته باشند . تمام کارگران در آن جشن خوش و غرم و راضی بودند . آنچه که از نظر انقلابی حرفه ای تا این اهمیت است آنست که در آن ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر کارگری کنگرسر جلسی هم میبود . آن عده نسبتا زیاد بود . تمام کارگرهای چند نفری خود را با این محل رسانده بودند که جلسی کنگرسر از این محل جدا شده و تیار بود . اهمیت دیگری این جشن در آن بود که حتی کارگران ساده غیر حزبی هم به کار معنی عادت میگردیدند . تا این جشن بعدها در تمام کارگران تهران بسیار زیاد بود .

بعده از آنجا هم متینگ طبق نقش قبلی فقط عده ای از آن کارگران و در کلوب سوسیالیستها شده جشن

فراخوان کارگری

گروهی از یگانگاری تا این متینگ ، بسیک فراخوانی کارگری خطاب به دوستان و رفقای کارگر خود ، آنها را به یک گرد هم آوری تا تاریخ ۲۴ مارس برای کارها ، ندیشی در این با این دادن و به وضعیت برآوردند کارگران ، بعد از آن در آنجا هم به این جهت با هر کس رساندند به کارگران در این امر شروع یک حرکت یک با رچه دعوت کردند . در پیش از این فراخوان میخواستند ؛

دیگری در این محل برپا کردند ، تا بعد از آنکه کمتری یک مد نظر بود ، البته نیز گروهی که در این محل آمدند تا جلسی بیوشی از این کار بر سر وقت و در کلوب ششم مرحوم دهر از دیشیز به کلوب آمده برای کارگران نقلی بر نگردید . کارگری تا این را با خود آورده بود ، همرازه با سرودهای انقلابی مدای تا این نیز مترجم بود ، درست بخاطر آنکه در وقت ما وارد این کلوب شدیم مرحوم سلیمان میرزا اسکندری و میرزا شهاب کرمانی هر دو با هم بودند ، اما در آنجا هم جلسی در آنجا تشریحی نبود ، از قبیل فهای آنها معلوم بود که از روزی تا این را میبودند و این دو نفر به گونه خاص با رفته و این خود میگردیدند ، از دور معلوم بود که در این روزها ما صحبت میگردیدند ، آنها هم میبودند ، این کنگرسر کمیونیستهاست زیرا هر دو آنها در آنجا در آنجا صحبت میگردیدند ، اما با آنها در آنجا در دیگر همکار میگردیدند . در آنجا ابتدا ما چیزی نگفتند و اعتراضی هم نکردند ، من کارها هم وقتی در این باب فکر میکردم در آنجا راحت

حس میگردید و حالت میگردید ، درست است که ما در این کلوب آمدورفت داشتیم و در حزب اجتماع میورثت و تعاونی ما سوسیالیستها همکار میگردیدیم ، اما حق نداشتیم بدون اجازه قبلی با این کلوب که ما این دو نفر بودیم . در این کلوب برپا کنیم ، و لااحظ اخلاقی ما چنین حتی را نداشتیم تا از آنجا سبسی کاری کردیم که شبها به بیشتری به چیزی میبود ، داشت ، بعد از آنجا کار کردیم ، اما در این سبسی بهیچوجه درست نبود ، این کار در کلوب سوسیالیستها برپا کنیم ، در آن ساعت عده ای از این حزب اجتماع میورثت و تعاونی ما در کلوب بودند ، عده ای هم همشور وین بودند ، تا بعد از آنجا به سبسی نفرم میسرید

فردای آن روز رئیس شهرتانی تلفوناً به سلیمان میرزا گفته بود : «حزب و لائتریک میگردید کمونیستها در کلوب شما جشن انقلابی میگردند .» بعد از آنکه سلیمان همبراز ملاقات بعمل آمد ، این مذاکره تلفنی را رسماً اطلاع داد ، اما در کارها میگردید ، روزی از این جشن خبرداشت و را میگردید ، طولی نکشید که این کلوب هم بسته شد . تاریخ بستن این کلوب را درست بخاطر آنکه در آنجا هم میگردیدند ، این کلوب برای جشن ماه مه بسته شده باشد ، بلکه در آنجا نشدند . ارتجاع این کلوب بسته شد ، تا بعد از این کار استن کلوب را کمی جلو انداخت .

منابع ؛ اسناد جنبش کارگری کمونیستی ایران

* مشکل در دوره جنگ همکاران در ایران است مشکل ما همه آن اعتراضات و مبارزاتی است که همین جا کارگران بر علیه سرمایه داران میکنند ، ما خود را جزئی جدایی ناپذیر از این طبقه میدانیم ، حال که کنار دوستان کارگر خود را بنا بر آن گرفته ، ما باید بنشینیم و منتظر مشکلات کارگری در ایران را بمانیم ، ما نباید با آنها همکاریم ، از آنها نخواهیم که از ما بزارت کارگری در ایران دفاع کنند .

اتحادیه کارگران فیلیپین

اتحادیه کارگران فیلیپین کی لوسانگ ما بو

با اولین جشن ما طی اعلامیه ای که اخیراً بنام ما برای زندگیمان میبندیم منتشر کرده است : در زمان ما رکوس اعتراضات ما با کارگران اسکاتلند با سطح داده میشد اما با این در زمان حکومت خان آکینسو با اعلامیه ما حمله میکنند . زندگی فانی اتحادیه های امروز در فیلیپین در معرض خطر بسیار جدی است . از سال ۱۹۸۶ که خان آکینسو قدرت رسید حقوق کارگران و حقوق سترحتی بیشتر از دوره حکومت دیکتاتوری ما رکوس در مرحله قرار گرفته است ، بطوریکه مدافعان اتحادیه های با زداست ، دستگیر و شکنجه و زخمی شده اند ، هم اکنون اعتصاب در فیلیپین غیرقانونی است و هرگونه اعتصابی شدت سرکوب میشود . در سال ۱۹۸۹ ما از غلبه سولت ایملی شکنجه و کشتن غیرقانونی فانی ما اعلام کردیم ، اما بعد از آنکه ما کی از آنست که تا نیمه ۱۹۸۸ :

۲۴ نفره قتل رسیده اند ، ۲۲ نفر مفقود ، ۴۷ نفر مجروح و با الاخره ۷۰۲ نفر دستگیر شده اند . همچنین در گزارش «مده» است که در سال ۱۹۸۸ ، ۵۵ نفر کارگر فعال اتحادیه و فعالین اجتماعی تا بدیده شده اند که توسط خانواده ها مفقود شدند ، کارشان شده است . غلبه سولت ایملی تا بدیده شده است که تعداد تا بدیده شدگان در زمان آکینسو بیشتر از دوره رژیم ما رکوس بوده است . همشورا آخرین گزارش ما از غلبه سولت ایملی جایی است که استفاده از شکنجه افزایش پیدا کرده است و بیشتر از دو سوم جمعیت فیلیپین (جمعیت کل کشور در حدود ۴۹ میلیون نفر) مسلمانند ، از سطح رسمی فقر و فلاکت زندگی میکنند . حداقل حقوق قانونی روزانه کارگران ۸۹ پیروس یعنی معادل دو دویست و نیم است که البته سه ریخی از کارگران بر پرداخت میشود ولی به سه سه صورت رسمی پیروس در روز پرداخت میشود .

حالت استعاضات حقوقی بر ما عتاب داده بر سر کارگر نکلیسی استراژا دیوید و دوستان است . اتحادیه (K.M.O) در مرکز فیلیپین قرارداد ۷۵۰/۰۰۰ کارگر عقوان ما شده است .

پرتوان یادیکار

ادامه از صفحه ۱

رسانیم . تشعیر این روز یعنی شرفه بریکر یک جنبش را بخیر گذرین ، حال نشانت اصلی آزادی و دمکراسی نیزهست ، پس برای دستیابی به هر خواست اجتماعی راهی مبارزات مبارزین به پیگردن هدف طبقه کارگر وجود ندارد ، اول ما به همان جسم تمام مبارزین همکاران بر علیه سرمایه و استراتژات . در کورنا ، ابتدایی ترین خواستهای آزادیخواهان و دمکراتیک با عجز و انکارها میگردید . حکومت بین سرتیرو پارتیان جولان میدهد گویی برای از سر برداشتن طبقه کارگران به سبب

بسوی سوسیالیسم انسانی و دمکراتیک (۲) پلاتفرم کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی بمبیت و هشتمین کنگره حزب

مصوب پلنوم فوریه ۱۹۹۰

۲- بسوی اقتصاد برنامہ - بازاری ثروتمند

حزب سروسامان دادن به کار موثر کارکنانی قانونگذاری و اجرایی در تمامی عرصه ها باهدف بهبود وضعیت اقتصادی کشور رفته رفته "تعمیق نابرابریترین وظیفه خود را قلمداد میکند" - ج.ک.ا.ش.۱۰ - در تحقق بخشیدن به یک سری اقدامات تدوین شده از سوی شورای وزیران که در کنگره نمانندگسان خلفا نیز تصویب رسیده و شامل ثبات بازار مصرف و نقل و احوال امعای شکاف بین انبوه نقدینگی موجود و پوشش ۳۰٪ بی‌ساعت خواهد کرد - لازم است که اقدامات اتخاذ شده بازتاب مشخص خود را بر اساس اجتماعی به همراه داشته و وضعیت اقتصادی - سرم و تولید اول وضع اقرار کم درآورد راهبند بخشد.

تأمین خوار بار مردم مشکل حاد ترجمانه ماست ج.ک.ا.ش.۱۰ - خواهان ارجحیت دادن به رشد بخش کشاورزی هرچند افزایش تولید گوشت ، شیر ، سبزیجات و دیگر محصولات کشاورزی و دامپروری است -

راحت اصلی مشکل خواربار کشور در گرو درختی است که مالکیت بزرگ زمین است - مالکیت دولتی ، تعاونی ، خصوصی ، اشکال گوناگون اقتصادی - بومی ، اجاره ای ، خانوارگی و غیره بایستی از امکان یکبار خریدار شوند - سمت گیری اساسی تقویت بنیادهای مادی - فنی تولید کشاورزی ، اصلاح و نگهداری محصول ، کاهش ضایعات آن در انتقال از زمین به بسو انبارهای باشد.

یکی از اساسی ترین وظایف پرستورکا ، ایجاد برابری اجتماعی بین شهر و روستا است - فراهم آوردن امکانات هرچند پرستور و نوین جهت تأمین مسکن مناسب برای ساکنین روستاها ، ایجاد شرایط زندگی منرب و ساختن راهها از ضروریات بشمار میآید - هرگز نمی توجیه ما تولید کالاها - مصرفی مردم قرار دارد - ج.ک.ا.ش.۱۰ - در تحقق مجموعه تأملی جهت پیشرفت درستیابی به "بازارسر" مایه مساعدت خواهد کرد -

حزب جانبدار سیاست موثر بهبود وضع مالی ، از جمله اقداماتی چون ، تشویق پس انداز از طریق افزایش نرخ بهره ، رشد بیحد ، توزیع اوراق قرضه دولتی با شرایط سبب ، آموزش مسکن ، پیش برداخت مردم در خرید وسایل با مصرف طولانی فروش سهام و دیگر اوراق بهادار است -

برگزاری موازین و دیگر گویا ابزار انعطاف پذیر اقتصادی گمانسج بوجود آمدن نرسمدهای نامشروع شود ، به جریان نماندن پولی که بعثت تقفان کالا مصرف نگیرد ، ضرورت دارد -

ج.ک.ا.ش.۱۰ - بر این باور است که حل مشکلات اجتماعی - اقتصادی حال و آینده به طرز تفکک نابرابری با اصلاحات رادیکال اقتصادی بپونند دارنگ در نتیجه بایستی نظام فرماندهی توزیعی که از خصصات آنحصار گزانی و تقفان ابتکار ، اسراف ، سوء مدیریت و فراپوشی کردن منابع مصرف کنندگان است ، جایب راه یک اقتصاد - برنامہ - بازاری بر پایه اشکال گوناگون مالکیت ، مسابغه تولید کنندگان مستقل ، نظام مالی پیشرفته بانگیزه های نیرومند و تعلق فردی و جمعی بدهد -

آنگارگرید که راه اصلاح اقتصادی نامعولتر از آن است که کمتر ابتدا مشاهده میشد - اما مانعاً طبیعت کامل مخالف بازگشت به اشکال بی اعتبار شده مدیریت که کشور را دچار رکود و تقفان ماندن از سایر کشورهای پیشرفته کرده همتب -

فرهنگ اقتصادی بدون نوسازی عمق درسیات مالکیت قابل درک نیست - ج.ک.ا.ش.۱۰ - خواهان تنوع اشکال مالکیت بسودم و رقابت سالم و برابر آنها - براساس آزادی اقتصادی افراد ، گریستن واقعی کارکنان در شکل و شیوه عرضه توانمندیهای خویش ، تضمین منابع و حقوق مصرف کنندگان است -

تجول مالکیت دولتی به مدیریت دنگراتیک زحمتکاران بر اساس اجاره داری ، استقلال اقتصادی کامل ، بیمه داری ، سهوا مداری و دیگر اشکال مدرن با در نظر گرفتن سطح تولید ، خسود و ویژگیهای مناطق و همگرایی مناسبات و پیشرفته مہترین وظیفه محسوب میشود -

حزب آماده مساعدت همه جانبه در رشد جنبش تعاونی براساس سالم ، قبل از همه تقویت تعاونی دولتی از جمله کالخور - گسترش دامنه فعالیت ، اشکال گوناگون مالکیت جمعی مشتق از کار ، سهام داری شرکاتی ، سهام داری می باشد ، ج.ک.ا.ش.۱۰ - بر این باور است که حضور مالکیت فردی برآمده از کار از جمله برابزار تولید با مرحله کمونی رشد اقتصادی در تضاد نیست - استفاده از هر نوع مالکیتی بایستی با بیگانگی کارکنان از وسایل تولید و استثمار فرادفرزه همراه باشد -

رشد تولید مدرن بدون مدیریت مرکزی برنامہ ریزی شدگانکن پذیر نیست - این امر که در واقع یک اصل نوسالیستی مدیریت اقتصادی میباشد ، در کشورهای بسیاری بکار گرفته میشود -

اما تضمین تحقق موفق عملکرد این تئابری و شیوه ها از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است برخلاف گذشته که کوشش میشد برنامہ تمامی بروسه تولید و توزیع را در برگیرد ، اکنون آنجان روندی لازم است که مدیریت مرکزی برنامہ ریزی شده براساس ارجحیت ها و با تطبیق قیمت ها ، مالیات ها ، بهرصفا ، اختیارات دستمزدها و غیره موجودیت یافته و ابعاد آن با حل وظایف اشتراکیتک مضمین میگردد -

این امر مستلزم تحقق برنامہ های وسیع ساختاری علمی - فنی تکامل تئابری زیر بنایی و مجموعه ای از حفظ زندگی فرودستجید منابع ، سیاست مالیاتی و اعتباری - مالی ، تأمین ثبات گردش پولی می باشد - مکانیزم مشترک محتاج حل سالیابی است که کمتر رابطه با حمایت اجتماعی مردم باشد -

ج.ک.ا.ش.۱۰ - معتقد است که کشور نیازمند یک بازار سراسری - یوحسوسی تنظیم کننده ای است که بعنوان مکانیزم ای ثابت و فعال در تأمین و حمایت از موازنه تولید و مصرف عمل کرده و تعامل بر تحرك و معتبر عرضه و تقاضا را برقرار نماید - این امر و ایجاد شرایط ورود اقتصاد شوروی به مناسبات اقتصاد جهانی خود کنار روبل قابل تبدیل با ارزهای دیگر را برقرار میسازد -

جهت سازماندهی اقتصاد شایسته بازاری ، ایجاد بازار کالاهای مصرفی و وسایل تولید ، اوراق بهادار ، سرمایه گذاری ، ارز ، پژوهش های علمی ، تسریع اصلاحات نظام مالی و پولی و اعتبار ضرورت دارد -

شرایط لازم تحقق کنترل بازاری اقتصادی - نوسازی نظام قیمت گذاری است - ایجاد مبنوی سطح و تناسب قیمت ها سنگینی بار کلف هزینه فرستور را برای عده ای و احسانی د تراچگرانه از دیگران ، رهنمودهای کادب مدیریت را بوجود آورده و ارزش گذاری آزاد دچار اختلال میکند - عقب افتادگی علمی - فنی را لپوشانی کرده و از بهره برداری برای تأسیس بین المللی کار جلوگیری می نماید -

رقابت تولید کنندگان از جمله شرکتهای خارجی بایستی مہترین تنظیم کننده و عامل باز دارنده افزایش قیمت ها باشد - انجام این کار مستلزم عدم انحصار در تولید ، تجساری ،

این است - نیز در گور مایه در تمامی برمهالمانه خواهد داشت - حتی اگر نیروهای بخواهند این بازار به بوقفه را تخطئه کند (کسیکند) اینها به حکم تاریخ این بیکارمانه خواهد داشت و در این میان آن نیرویی بسودم و سر بلند خواهد بود که بخواهد و بتواند خود را با مردم خوشان حرکت کارکنان هماهنگ کند و در جهت خودمختار کردن جنبش آنان بپیشروم -

اول ما به ، نخستین بار کارگران جهان ، تجسم باز این حرکت خوشان است - اول ما به تجسم بیکارگری پریریت ، اشتباه ، استثمار ، حق کسی و تجسم ما زره دراه تحقق آزادی ، دنگراسی و سوسیالیسم است - پس زنده اند آزادی زنده است - سوسیالیسم - امروز زنده اند اول ما به و روزی همبستگی جهانی کارگران !

بسی سوسیالیسم

ادامه از صفحه ۷

خدمات اعتباری و بیمه و تصریح آن در نظام قانونگذاری میباشد.

حزب خواهان نوسازی ساختاری اقتصاد به سود بخش مصرف کننده ، تأسیسات جهت کاهش تولیداتی با سرمایه بر حجم وشر بخشی پاسبین ، تمرکز نیرو و سرمایه در بازسازی موسسات فعال میباشد . افزایش توجه به تحقق برنامه بهره پسنداری منطقی و طبیعی ، حفظ منابع ، صرفه جویی در مواد اولیه و خام ، شایعات کار ، مبارزه با سوء مدیریت ضرورت دارند .

دیررود نوسازی ساختاری ، پیوستن صنایع دفاعی به صنایع ملی بایستی بطور طبیعی انجام پذیرد ، با آنکه به ظرفیست تخصصی و علمی فنی بالای این موسسات ، امکان افزایش سریع تهیه وسایل مدرن تولیدی و کالاهای مصرفی مردم وجود دارد . به موازات این امر در نظر گرفتن منابعی جهت گسترش باز تولید ک محصول بدن آن رشد اقتصادی ناگزیر به بن بست برسد ، اهمیت اساسی دارد .

حزب با تمام سامی ارتزالی دروسای تسریع پیشرفت علمی - فنی با در نظر گرفتن تمر بخش اقتصادی ، علمی و اجتماعی آن ، تصمیم گیری دستاورد های آن در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی جانپداری خواهد کرد . تا من پژوهش های بنیاد ی علمی با تمامی امکانات لازم جهت رشد نیرومند آنها - وظیفه مهم دولت است .

بایستی فضای آزاد در اختیار سازمانهای علمی با اشکال متفاوت و بسط دانش قرار گیرد .

حفظ طبیعت - حفظ انسان است - در اواخر قرن بیستم نجات طبیعت به یکی از شروط اساسی حفظ حیات سرزوری گره زمین بدل شد . مابایستی استاندارد های جهانی بکار بسته و لسانانه در همگامی علمی محیط زیست بین المللی شرکت کنیم - رشد سرمایه از صنایع کشور با بی اعتنایی به تأسیسات حرسات از طبیعت ، به ظهور کانون های فلاکت پاراللیمی انجامید . اقدامات فوق العاده و سرمایه گذاری شایسته جهت بهبود اوضاع لازم است . حزب تقویت قانونی توانده آگرسد سنجش علمی و در نظر گرفتن افکار عمومی راهنگام حل مسایل مربوط به استقرار مراکز تولیدی جدید ، ضروری میدانند .

همزمان با آن هنگامیکه تقاضاهای بی اساس در زمین موسسات حیاتی کشور که بدون آنها تأمین ابتدائی ترین نیازمندیهای مردم غیر ممکن است ، به میان کشیده میشود . برخسود شتابزده غیر قابل قبول است ، بدون رشد علمی - فنی و صنعت مدرن و برخوردار از اشکال مشکلات علمی و نجات طبیعت امکان پذیر نیست .

شرط لازم تکامل مبرورات اقتصادی و شرکت کشور در تسهیلاتی بین المللی کار میباشد . راه مطمئن فراین جهت - افزایش قابلیت رقابت کالاها و خدمات شیوری که خود باعث تقویت تجارت خارجی از جمله ارزی میشود ، استقلال موسسات ، کارز گناشانی شی صمدر مواد خام و نوسازی ساختار واردات میباشد .

حزب در نظر برای تحقق تدابیر نامبرده بپیکانه از منافع مردم

زحمتکن پاسداری خواهد نمود در جهت استقرار مانع فساد علمی - مطمئن بر سر راه اقتصاد سایه ، عناصر فاسد ، منحکران و منعیان نوین انحصار سازنده خواهد کرد .

۴- بسی گسترش همکاری سوسیالیستی و خودگردانی خلق دمکراتیزاسیون - هدف و وسیله پرستویک - تشکیل دولتست حقوقی و جامعه خود گردان سوسیالیستی مهمترین شروط کامیابی کل روند نوسازی و تضمین رعایت حقوق افراد است .

سیاست حزب بر شناسائی اراده مستقل مردم بعنوان بگانه نشا قدرت استوار است . دولت حقوقی همه خلقی بسر دیکتاتوری یک طبقه ، بوزوه حاکمیت اداری بزرگتریک باسان ناده و جمهوری شیوارا را از آن میکند که تضمین کننده امکان شرکت تمامی شهروندان در امرین دولتی و اشتغال در هر مقامی میباشد .

گاههای مهمی از نظام فرماندهی به سببتم دمکراتیک و تدوین اصول نوین در نحوه عمل مراکز عالی قدرت برانته شده است . اکنون تکمیل نوسازی ساختار کل ارگانهای دولتی ، انتقال قدرت به شیورا ها و دگر گونی بنیادی فراترین شیوری پیش روی ماست .

سیستم انتخاباتی - انجام انتخابات بایستی براساس اصول کامل حق انتخاباتی عمومی ، برابر و مستقیم صورت گیرد . ما خواهان آئیم که انتخابات عرصه رقابت شرافتمندانه نمایندگان تمامی اقشار جامعه ، افراد و انجمنه ها بوده و تفاوت بسر عهده رای دهندگان احزاب ، سازمانها و جنبش های اجتماعی و نازدهای جداگانه قرار گیرد . حزب دروازه تأمین نمایندگن شایسته در مجلسی که از ارگانهای دولتی کارگران و دهقانان ، زنان ، جوانان ، و نترانها (مبارزان قدیمی عرصه کاروییکسار) و دیگر اقشار و گروههای جامعه که به اندازه کافی در حیات سیاسی فرکرر نموده و نیازمند حمایت برای دفاع از منافع خود هستند تالی خواهد وزید .

دمکراسی و پایداری سیاسی - روند دموکراتیزه کردن جامعه ما با ظهور بنیادهای اجتماعی - سیاسی نوین همراه است . روند تکامل جامعه امکان تشکیل احزاب را نیز منطقی نمیکند . قواعد شکل گیری این احزاب توسط قانون منمن خواهد شد و در قانون اساسی اتحاد شیوری منعکس میگردد .

تشکیل و فعالیت سازمانها و جنبش های که منادی قیسرو نشانی میان ملت ها بوده و دنباله رو اصناف انفرادی و ضد قانون اساسی باشند ، بایستی براساس قانون منوع گرد ح ک . ک . ۱۰ - ۱۱ - منعی انحصار نبوده راناده مانگزه سیاسی و همکاری با تمامی کسانی است که جانپدار نوسازی جامعه سوسیالیستی هستند .

اصولا " مبارزان عقیده ایکه سلط روند دمکراتیزاسیون ، خلعت دمکراتیک تشکیل و عملکرد نهاد های دولتی و اجتهات سیاسی دخالت شهروندان در ساسات ، تکامل مستمرنوسوه نوسازی دارایی اهمیت اساسی هستند . امروز حزب - آن نیروی سیاسی است که با تمامی وسایل در دمکراتیزه کردن جامعه مساعدت وزیدیه و همزمان در ارماد وسیعی نقش استحکام بخشی به کشور کثیر الله را ایفا میکند .

شیوراهای نمایندگن خلق - یکی از مهمترین وظایف مرحله کنونی عمارت است از اینکه شیوراهای ارگانهای واقعی تمام

الاختیار بدل گشته بپیکانه اراده مردم را منعکس کنسندو اهرمهای اداره دولتی را در دستهای خویش متمرکز نمایند .

برای ابتکار آنها بایستی از حقوق قضی ، استقلال اقتصادی برخوردار بوده و پرستاد نمایندگی فراترندو کاردان مکتی باشند .

به نسبت زرفش رفقم سیاسی و عدم تمرکز مدیریت ، ح . ک . ۱۰ - ۱۱ . به استقرار و تکامل و تکامل و تکامل و تکامل خود گردان کتک خواهد نبود . این امر به ارگانهای بالا اجازه میدهد که از بسیاری فعالیت های اجرایی - اداری رها یافته و نیروی خویش را برحلال و فعالیت مجبونه ای در ارماد جمهوری و جمهوریهای خسود مختار و مناطق سراسر کشور متمرکز کنند .

قدرت دولتی ح . ک . ۱۰ - ۱۱ . معتقد است که تقسیم وظایف دولتی - قانونگذاری ، اجرایی و قضایی از اهمیت کلیدی جهت شر بخشی مدیریت برخوردار است . بنایه گفته لنین ، ما بایستی امتیازات نظام شیورایی را با محسنتات پارلمانتاریسم تلفیق نماییم . اولین گامها در این راستا برانته شده است . اما تجربه پرستویک و کمونیسم دیکتاتوری از مسئولیت و صلاحیت ارگانهای دولتی را حکم میکند .

در نهانیت امر هنگام تعیین نقش تکانه نمایندگان خلق و شیورایی عالی اتحاد شیوری ، مگانیزی موثر و مستحکم جهت ساسیاتی پرستویک و اجرایی قوانین موهوبه لازم است ذخیره کار ارگانهای عالی و جدید قدرت نشان میدهد که چنین مگانیزی هنوز در مراحل شکل پذیری قرار دارد .

مسئله تعیین رئیس دولت در سراسر ای ریس جمهور ، مسئول در برابر کتک نمایندگان خلق های اتحاد شیوری و برخوردار از اختیارات لازم حکومتی با بانشاری زیاد مطرح میشود . این امر ضرورت حفظ رشد با ثبات کشور ، تحریک بخشدن بیشتر به پرستویک و تقویت تضمین بازگشت ناپذیری آن ، تأمین عملکرد طبیعی و شر بخش تمامی نهاد های دولتی و اجتهاتسی و رادر روند دمکراتیزه کردن قانون و انبست شهروندان ، دفاع از منافع اتحاد شیوری و نمایندگی دولت مابرعرصه سن الملطیرا ایجاد میکند .

وضع و اشتیاق شیورایی وزیران اتحاد شیوری بایستی تقویت گردد کونینستیای عضو شیورایی عالی اتحاد شیوری و پارلمان بایستی قاطعانه تر و مسئولانه تر عمل کرده و در جهت تحقق تدابیر لازم برای ثبات اوضاع کشور و تالیق آشنی مبرحران اقتصادی آن تلالی وزیدیه .

دستگاه دولتی مدیریت - به نظر ما در این عرصه نیز نوسازی قابل توجهی براساس تحت کنترل قرار دادن حتمی دستگا ه توسط نمایندگان ارگانهای جامع ، کابایت و تخصص منطقتی آن ، عظمت آشنی نامه های اساسی و محدودیت سزیت آنها لازم است . نوسازی معقولانه دستگا ه بی ارتباط با اعضای جدید شیوراهای ضروریست .

ادامه دارد

بایمام کارگر همکاری کنید!

خنده ندارد!

یکی از امتحانان من (والته از امتحانان شما) چندینی پیش تقاضای صحابه کرد. یعنی تقاضا کردن با او صحابه کم. من هم پذیرفتم، البته شرط گذاشتم که صحابه نباید خنده دار باشد، اوهم پذیرفت. اما در صل صحابه بدون اینکه من سؤالی کرده باشم شروع شوقزل از اینکه اولین سؤال را بکنم تمام شد. باور کنید من تصوری نداشتم. شما هم از این پس می توانید خودتان را قاطی این بحثها کنید و از این جور حرفها بزنید! البته بشرطی که حرفهایان خنده دار نباشند. و اما صحابه بدون سؤال (ولمعا بدون جواب) با آشنای من شما:

از کدوتا کامپیوتر (تاریخچه مختصر)

ب. قلندر



آقا تمام گناه بنده این است که نمیخواهم در عرض خود بپذیرم که می خواهم یوزاندیشانه درآینده سرگم و کهنه اندیش نباشم. بله، جرم این حرفها ظاهرا من است و وطنی ما هم که ملاحظه می کنید از بدنامی دردمندان چنان تراوش یافته. برای وضوح بیشتر ابتدا باید بزرگانی مختصری را نام ببرم: نظیر شخصی من اینستکه سال ۱۳۲۹ پایه این جهان برانگیزو - لونی گذاشتم. اما نظیر بزرگواران این است که من در سال ۱۳۵۹ میلادی در شهر آمل، باز بگویند که حسابی نشأ آذربایجانگر دمکراسی نیست که حق ندارم یک نظر شخصی هم داشته باشم. بهرحال وقتی که دیگران سن مرا پایشن ترساج میسکنند هم لاج می کم روی حرف خودم می ایستم. بله اصلاح حرف دردیگی است، این راهش به بردخدا بازمی می گفت.

باری بجهت بنده بگذارم که در سال ۱۳۵۹ میلادی، با من دیگر همه موافقت، در این زمان من با کمک اقوام درجه اول به کشفیات محرماتعلی درمعرض تکولوژی دست یافتم. آری نتیجه شدم که لویچی از کوههای این جهان پشرفته که گریهها را حیات نمی گزانه بوش بگیرند، پشههای رنگی از زمین سرود، با ملاحظه بار بار به خیزه بپوشند و نازانان کدو بگیرند، وحی برای کمکهای سرب السرجایی آمواسی از علی کویتر استقامت می کنند. و مواقع تولدوم من در سایه انقلاب علی - فنی دوم بود. آنوقت من خیز از انقلاب علمی فنی سوشناتم با اگر می داشتم آبراجدی نمی گرفتم. من باین نتیجه رسیده بودم که فلسفه، سیاست و حزبیت سابق من پاسخ گوی مسائل زمانه نیست. پس شروع کردم خود را با زمانه تطبیق دادم، و نتیجتا این شکه اکنون در این دنیای ترس گش شماره کار گرفتارم.

و اما تولد دیگری من، بله، مشغول از اینکه کدو تولدوم خود را به شریک بگیرم. درست فهمیداید، تولدوم من برای پاسخگویی به انقلاب تکولوژی یک مورد حادث شده درست است که در فهمیدم اما دوستان باز مثل سابق بمن می گفتند: "دیروالی، ولی خوش آمدی" و تادیر نشده بگویم که تولد اینبار من مناسفانه با سوزاین همراه بود، بیکرتیج افروزمین شاهان مناسف است. خلاصه قضیه تولد جدانازان جاشور و شکه هنگام مطالعه کتاب

طغولیت پس از تولدوم هم می گفتند، برنامه ات عین برنامه آخوندکهاست حتی بکار به ذهنشان خطور نمی کنده شاید برنامه آنها مثل برنامه من است. و همین با خاطر اینکه من چند بار صحبت از ماشین و تکنولوژی و کامپیوتر کردم شایع گردید که طرفداران نظریات آقای مارکوزه در مردمان من هستند افرادی مخالفان خود اقامه دلیل میکنند: "برفایشان بنده من امروز بیکانه در مقابل تکولوژی و کامپیوتر". بگذارم بگویم: من امروز در فکر مسائل مهمتری هستم. مین پرستان زادی در انتظار منند. درست است که قب قیسان بزرگ است ولی از کجا میانیکه از فرط بیخبری است، شایان ترشح بیسب از حقه فدی تولدی باشد.

و اما اعتقادات بنده درمعرض مینوی، برای من فرق نمی کند امروز مین من درست شیخ است با شریکان. من برای دماغ از مینم حاضرم با شیطان بر علیه خدا جنگم. اما اگر تکبیده نوزاد بله لانهم، این از نات شیطان من برمیخیزد از خاستنرم، من برنامه نواندیشانه خود اعلام کرده ام که همه با هر سکه و ورام و ذهنی سبب توانند برای برنامه من تلاش کنند. و اشکالی دراز کارگردانک نظارهاست آرام خیابان با اجازه رسمی، یکی شمارنده، یکی مشت هوا کند، و دیگری اغراض خود را با سینه زنی و زنجیر زدن اعلام کند. اگر همه چیز قانونی باشد، همه کار خودشان را می کنند و با هم از آب تکان نیسب خود.

با همه این توضحات باز هم من امراند سببند و با اصطلاح اغراضی می کنند با شریکان و سوزی دارم. من در اینجا سبب برای راج شهبه عین قضیه را توضیح میدهم. پس از تولدوم، من فکر کردم باید روشهای نوتری جستجو کنم. بهمن جهت به این بدبخت گفتم بگو بابات آدم بدی بوده تا همه کار با سبب. اوهم نگفت و حق داشت که نگفت. هرگز دیگری هم جای او بدیده بروخوش که تازه مرده نمی گفت بد. اما شریکان خودشان راهی جای من نگذارید، اگر شما این حرفها را زده ان شیربان بیرون آمده می شنیدید چه می کردید: "تولدین از پدر این حرکت تاریخی همه رهبران و شخصیتها و نیروهای مبارز سیاسی با سبب مثبت به خواست تجربه شما، (یعنی مردم) دست همکاری و همبستگی به بکنیدر خواهانند تا در راه استقرار حقوق و آزادهای اساسی ملت، از هیچ تلاشی و از خودگذشتگی دریغ نخواهند کرد." خوب من هم دریغ نکردم و حتی بشبوه کهن گفتم بگویدرت آدم بدی بوده. و خلیفای من گفتند با این هم مشرف و

"گریه بر تو بدو قاتل از قتل بر تو چرا چه حاصل" اما بر طرفتزمین این رنج جانگانه را بجان خریدم. ولی فکر تکبیده همه چیز حل شده، خیزتازه اول ماجرایت. اول دوسان شیربان گفتند که "درماجه به گذشته بیرون رسیده درخشانتی از دیگران بپوشه شیربان نداری" و اگر بحث این سایل در میان باشد. معلوم نیست که بتوان برای تو در کارندوهای هوا را ازادی و استقلال ایران جانی ذخیر کرد. و تا این بنده مجبور با گرایشات چه روانه شیربان و زدیگشت هم مبارزه ایدولوژی کند. ملاحظه بعضی از آنها سبب با طرفداران مبارز و مسلحانه هستند و این با شعار دوران تولد سوم من "مبارز مسلحانه استراتژی و نه تاکتیک" تعارض مطلق دارد. اما اگر تکبیده درمعرض صفحه ۱۱

و حزبیت قرن بیست و هشتم استفاده می کنم. درمعرض اقتدار بران باور که که گریه باید" موش بگیرد، و چون در کوههایی که تا امروز برایم محسوب بودند سبب نگذاردم و گریهها را گران را بکنند، هرآنکه در این شکل انجمن حمایت از حیوانات می باشم. از آنجا که در این طغولیت پس از تولدوم در دوسانها خود نام که سیاست فخرده اقتداست، پس درمعرض سیاست منسب معتقدم "تا نشاد خوب تر فرمان نبرندگو و حشر". بر این اساس با هر کسی که خواهان اجرای قانون باشد (منظور قانون موش و گریه) و خواهان هدیره اجرای قانون سازش کند همراه خواهیم شد (بجای سازش در ادبیات کهن سیاسی از کلمه مبارزه استفاده می شد، اما از آنجا که "مبارزه" و مفاهیمی از این دست کهنه شده اند، من در مفاهیم و لواضحات نویسن استفاده می کنم). برای اثبات مستند در این راه برنامه سبب نواندیشانه خود را هم منتشر کرده ام. اما از دست این جرم گراها! اصلا اینها درست بشر نیستند. می گویند که برنامه ات شبیه برنامه لیبرالهاست. اینها اصلا با دانشان است. درمعرض

آیاسوسیالیزم . . . ادا ما رهنمه ۱۲

بهایمده. این فرهنگ می‌باید در جامعه سوسیالیستی توسعه یابد.
درین حال باید تاکید کنیم که تحریفات اساسی کنترلسوسیالیزم موجود ظاهر شدند را نمی‌توان به سر چشمه علم انقلابی سوسیالیستی منتسب کرد.
اگر قرار است که مامور جستجوی مجرم و متهم برانیم ، ایمن جستجو را می‌بایست فرموده خودمان و نه در مورد پایسه گانان مارکسیسم انجام محیم .
عیب ازماست و نه از سوسیالیسم :

ناهنجارهای سوسیالیزم برایراهی ازکشورهایسوسیالیستیبعضا ناشی ازتجربیاتپیروزگارتکنیبودند که درمطابق ادبوا لویله توجیهی به شیوه توسل نگذاریت و نامربوط به اصول مارکسیستی صورت گرفتند . برپرواز دیگری این ناهنجاریها ناشی ازتکرارینادرست ولی باحسن نیت اصول سوسیالیستیدر شرایط جدیدی،بویسند

که توسط پایه گذاران مارکسیسم پیش بینی نشده بود . این واقعیت که قدرت ابتدا درتربک مانده ترین کشورسوسیالیستی اروپاییش تخریب شد،کوشید،میرسون سنتهای دموکراتیک ، نقش کی بروداین که قدرت چگونه بعما" شکل گرفت نداشت . براین واقعیت،می‌باید سالیهای انزوا ، محاصره اقتصادی و دخالت نظامی افزون کرد که این آخری درضعیف کردن آمیزکی طبقه کارگر که چنه شوروی نقش مهمی ایفا نمود . بامرورزمان رهبری حزبیه ستاد فرماندهی فوق سانترالیزماموسکراسی بسیار ناچیز ، حتی برای اعضا خودش ، تبدیل شد . بیشتر کشورهای سوسیالیستی ۲۰ سال بعد ، زیر سایه جنگ سرد ظاهر شدند . برای آرتانها تاحه زیادی درسود پیدایش وانامه حیات خود وابسته به شوروی بودند واگرآنها برای معن طولانی اوتاریخ خود مثل سیاسی واقتصادی استالینستی را دنبال نمودند . کونیستی،خارج ازان این کشور ها وانقلابیون درچین،خاستگامری ترانف کنگدن کنگهای سخاوتمندانه و همبستی بیگانه شوروی بودند . آنها به درستی اتحاد شوروی را به عنوان مژ حکمی برتلیسه دشمنان خود تشخیص داده و نمی‌توانستند با نی خواستند قبول کنند که بسیاری ازبمبای سوسیالیستی درشوروی چاپچاسدند . اینها همه توضع دهته ، اما نه توجیه کنده اینکه چگونه کونیسم رهبر گوشه دنیای سوسیالیستیو جنبش جهانی کونیستی تسلط دهشتناک خود را توسعه داد میباشند . این سلطه ای بود که اگر توسط یک حزب - مثلا بولگاری- وافرادی دردیون یک حزب زیر سوال میرفت، به انزوا اعسلام ارتداد انجام میگردید .

مادرانینجا البته تلاش نمی‌کیم که به این سوال پیچیده پاسخ دهیم که چگونه می‌توان انقلابی سوسیالیست صادق - ستایشگرانی که برمیعد گیر شخصیت تبدیل شدند - کالیاست اشاره کنیم که قدرت این گرایش همسازگانه ، دراین باور نهفته بود که گویاکسانی که تاریخ به عنوان پاسداران آینده کونیستی بشریت(۴) تعیین کرده بود، این آینده را بر شالوده هائی

که بپایان مارکسیسم ریخته بودند، می ساختند . و البته درتروی کلاسیک مارکسیستی درباره ماهیت دوره انتقالی افتقر مطلب وجود ندارد که بعنوان راهنمای عمل شخصی برای آینده مورداستاده قرار گیرد .
این توسعه ناپایانگی تئوری کلاسیک مارکسیستی درباره باعقل وساختر جامعه سوسیالیستیبه ارتدادگها به سطح اصول میدان فاهه وبنابر این با ردیف کردن نقل قولهای از استادیسمیدند برای آن دنگهاژوش و مطولت دست میا نمود .
اما بنیانگزاران مارکسیسم" هرگز اشکال ونگانینهای خاصی برای توسعه جامعه نوین ابداع نکردند . آنها ایله ال سوسیالیستی این جامعه را تشریح کرده ۰۰۰ وگزارشی تاریخی سربامیلدی وبنیاز تاریخی به عبور مرحله نوینی ازتوسعه اجتماعی واتتالست کردند . آنها درباره ساختار جامعه آیندهای که میبایست جایگزین سرمایه داری شود بصورت خیلی کلی بحث کرده واین بحث عموما" از زاویه اصول بنیادی بونه است "(۴) .
ادامه دارد

آمریکا : يك چهارم کودکان

درفقرزندگی می کنند

" جهان آزاد " سرما به داری ادا معیبات خود را با فقیرترکردن هرروزه بخش وسیعی از مردم متعصبین میکند . سرما به ادا تا تا ما مین اجضا می یا بدارد تنا فقا است ، این مسئله انگا ، روشنترمیتودگه نسه شمشکهای به و بترین جامعه سرما به داری ، بلکه نگا می به زبان آ تا رهنبنداز زم .
بر اساس گزارشی که اخیرا منتشر شده ، در آمریکا حدود ۵ میلیون کودک کمتر از ۶ سال یعنی حدود یک چهارم کودکان در این حدستی در فقر سیر میگردند . بر اساس این گزارش ، کودکان بزرگترین بخش جمعیت فقیرتر آمریکا را تشکیل میدهند . در این کشور ۳۲/۵ میلیون نفر زیر بوط فقر سیر میگردند .

تظاهرات علیه مالیات سرانه دولندن و کلاسکو



ششمه ۲۱/۲/۹۰
این تظاهرات در لندن با ۱۵۰ الی ۲۰۰ هزار نفرتر و در کلاسکو با ۲۰ الی ۴۰ هزار نفرتر بزرگترین تظاهرات چند سال اخیر بوده است . پلیس بنا بر اظهارات خود با بیشترین نیرو یعنی ۵۰۰۰ نفر علیه این تظاهرات شرکت کرد .
در همین تظاهرات ۷۵ نفر تظاهرات کردند و توسط پلیس به شدت مجروح شدند . همچنین ۵۸ نفر از شورای پلیس توسط مردم مجروح شد ، ضمنا طبق آمار اعلام شده از طرف پلیس تا یکشنبه تعداد ۳۴۱۰ نفر دستگیر شده بودند این تظاهرات از طرف کمته علیه ما لیا ت سرانه کشورهای مترقی وچپ ولبرال را در سر میگرد ، سازماندهی شده بود و از طرف سازمانها و احزاب ، احمادیه و وسندیکا های مختلف از جمله حزب کارگر حمايت شده .
در این تظاهرات توشی بن از جناح چپ حزب کارگر انگلیس سخنرانی کرد ، البته جناح چپ معتقد است که دنیا بد ما لیا ت سرانه برپا شد دولتی جناح راست غالب حزب کارگر میگوید ما بد ما قانون را اجرا کردولی ما در بارلمان علیه آن مبارزه میکنیم کند این تظاهرات در لندن از میدان ترا فقا و آغاز شد . هنگامیکه تعدادی از تظاهرات کنندگان دست به شعارها می زدند و پلیس سعی کرده آن را از میدان خارج کرده و به بخش در قسمتهای مختلف شهر تقسیم کرد این حرکت در اثر شدت از طرف مردم با واکنش مواجعه شد . در همین میدان از طرف تظاهرات کنندگان به شعارها و ترفیقای جنوبی جمله شده قسمتهای از ساختمانها به اشت کشیده و دشمنان ما ساختن مقابل این شعارها تظاهرات از طرف سوزی کلا زمین رفت ، بعد از آن تظاهرات کنندگان در طرف خسانا در ۱۵ و ۱۰ استریت" که خانه شماره ۱۰ (میشد دولت) در آن قرار دارد در دستا زبردند و دفعه جمله به این خانه را داشتند که مجددا بسن آنها پلیس درگیری گستره ای صورت گرفت .
در این حملات پلیس از نیروهای فداشورش شامل سواران ، نظامی ، متعصبین ، و غیره استفاده کرد .

مخمس ویک استفاه کرد و در قسمتی از منا طبق به سوی تظاهرات کنندگان کارنگ آور ، کولوله بلاستکی وآب جوش پرتاب کرد .
بعد از آن تظاهرات کنندگان در بطرف جنوب شهر سرازیر شدند و تاش سوزی ماشینها ، غارت بعضی از مغازه ها و تاش سوزی و غارت در قسمتهای مختلف شهر توسط ما ده های آنها رهنبنداز ما شد .
با رگارت تاجربند خاندن در یک کنفرانس مطبوعه ای اعلام کرد که یک بنامه جدید حزب کارگر در این تظاهرات سخنرانی کرده و مردم را دعوت به عدم برپا اخت ما لیا ت سرانه کرده ، بنابر این مسئولیت ایمن حوادث ما حزب کارگر است .
نیل کنگس رهبر حزب کارگر متکا رهای غیر قانونی و خلاصی که در همین تظاهرات توجوع بیبوست محکوم کرد و خواستار ن شگه مسیبن مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرند و ضمنا تا سرده گفت که شرکت و حمایت ما از تظاهرات معنی ما بد ما این حرکات نیست .
دیگرا اینکه در نظر خواهی که اخیرا از طرفی روزنامه و رادیکال دیموکراتیک از مردم ضد حزب ما بنامت چاپر (مخالفه کاران) ۳۱٪ رای و حزب کارگر ۵۶٪ رای را بخوده ختم ما دوهم کنون وضعیت حزب ما فظا کار چه لحاظ او و گرفتار اختلافات درونی و همچنین افکار رعمومی در نیرویون به شدت خراب است .

بحران لیتوانی

دولت شوروی تصمیم گرفت که صدور نفت و گاز برای کشور به لیتوانی را قطع کند. این اقدام پس از آنکه تلاش‌های روسین به راه حل سیاسی به بن بست رسیدن صورت گرفته است. به نظری رسدگان با اتخاذ تصمیم مزیور که مقصد فشارهای سیاسی و اقتصادی شدیدتری به سوسیالیست‌های لیتوانی است. بحران مزیور وارد مرحله جدیدی خواهد بود. دولت آمریکا اعلام کرده است که عملی‌نویس پاریسی توافق اقتصادی اتحاد شوروی را به تعویب خواهد انداخت اما مذاکرات خلع صلاح و نیز سایر تلاش‌ها به آبروی که در اواخر ماه مه صورت میگرفتند -

الشعاع بحران لیتوانی را بریزیدند و گفتند که از سوی دیگر نماینده‌های اتحادیه اقتصادی شوروی، پاریسی از طرف سوسیالیست‌های خواهان تجدیدنظر در تصامیم قبلی خود فرمودند اختلاف‌ناهنای میان پارتی‌ها و شوروی و اعلام استقلال شمعاند دفریات جمهوری شوروی اعلام نموده است که نتواند مورد قبول شوروی این است که لیتوانی از طریق قانونی یعنی - اساس آنچه که قانون جدید تصویب شده می‌باشد. از شوروی جدا شود. در مطبوعات شوروی بطرف تحریریه این تأثیر منتشر شده است که مسگر با هم‌رایی عملی لیتوانی ایران آنها

لنتس برگردید. هر چه شرایطی حاضر به مذاکره نخواهد بود. لنتس - بزرگ همچنان بهترین چهره " سائویس " - جنبش ناسیونالیستی لیتوانی است. و نماینده گرایش دست راستی و شورونستی آن است. تلاش مقامات لیتوانی برای خرد نفی از نیروی بن بست رسیدن توانستند مستوح و بر دینا از خورناتسین کنند. مهم ترین واقعه درباره لیتوانی موضع مشترک هلموت کل نخست وزیر آلمان فدرال و فرانسا و میتران رئیس جمهور فرانسه در ۲۶ آوریل بود. ایس دودولت از مقامات لیتوانی خواستند که اعلام استقلال لیتوانی را معلق کرده و با دولت شوروی کارآیند. این مستحربترین موضع غرب نسبت به مسئله لیتوانی بود که با این ترتیب مقامات ناسیونالیست لیتوانی را برین بست کامل قرار دادند.

سفر نخست وزیر چین

نخست وزیر چین لی پانگ رسا از شوروی دیدار نمود. در این دیدار طرفین در مورد مه موضوع مذاکره - گسترش روابط اقتصادی و مشورتهای سیاسی - نیکیا ریژنگ در مراسم رسمی که مناسبت دیدار لی پانگ از مسکو برگزار شد درامیتم تلاشهای دکتور برای تسطیع رابطه دوستانه و برپه راهبیل در زمیندن، تمام گناه من این است، تنها اینکه هر روز خورناتسین می‌کم و غبار کینگی را ازین روح خود می‌زبانم. نامی تمامیت زرافا، فوتگرایا، چونگ‌ها، یانگ خا - یانگ می‌شوند. اما این حرف خورناتسین، حرف درینکی است. آنچه بیشتر باریش قبل از مرگ، وقتی که کمالا می‌نویسد، شف بوژریاب گفت: " حرف خورناتسین مقدم شو ". من نیز حرف خورناتسین، کار خود را کنم و مقدم می‌شوم. از فرمتی که در اختیار من گذاشتید، معذرت می‌خواهم

به نکر منابع افشایی شد:

1. آبروی که من کشف کردم، مایاکوفسکی ترجمه وارنیک در راه‌هاکان
2. مایاکوفسکی: بیخالیوف (متن روسی)
3. اشعار مایاکوفسکی (متن روسی چاپ ۱۹۸۳)
4. درباره ادبیات: لوناچارسکی ترجمه مقاله نویار
5. هفت صدا، صحابه با نوبوا، ترجمه ناز علیا
6. از ایروسیونیسم تا هنر آستر، ژان لی ماری و ... (سلسله انتشارات شناخت هنرهای زیبا ۲)
7. نظریات روسی (متن آلمانی روسی)

پانگ ساعت از نیمه گذشت

پانگ ساعت از نیمه گذشت. تو باید به خواب رفته باشی راه که کشاکش شب، چون تهری سیمین، جاری است. به من متاب، خواب تو را نخواهم گرفت. روزها و ایات و بزم نخواهم زد. به یک نیمه، این پایان داستان است، زورق من به سفره زندگی خورده و دردم شکسته. ما در منزل رحلیلم و نیازی نمی‌بینم که هم‌ها و زنده‌های خود، هم‌ها و دردیهای مشترک ما خود را از تو بگنایم و زنده کنیم. من بیش از دنیا در سکوت می‌نویسم، درد بجا می‌ماند، در آسمان از زبان خورده‌اش، از منارگان و آثار شب می‌گذرد. در ساعتی چنین، آسمان یا می‌خورد یا ناراضی تاریخ و تمامی زمان و مکان، و عالم امکان را مورد خطاب و خطاب قرار دهد.

از کونتا کامپیوتر ...

ادا ماه زلفحه

بعضی‌باشان آندای ماهی هستند، بی‌کمان که فکر می‌کرد من کهنه اندیش‌گفت " بانگیکی شوم یاران، ایانن هر نشان از بانگی ما ست، " وین برانیگه ملش را نشکمه به سلک خود - شان جویبار ارادامه: " ای دوست عزیز، هر جا هستی با تو هستم، تا یک قدمی به مرگ بومد، من دوست و هم‌راه تو هستم. باری بپرداز، این بود وصف ما چاروانا بود نرد دل

مایاکوفسکی: " رفقا ...

ادا ماه زلفحه ۵

اینک اشعارن بسیاری اشعارشان را نه در جماعت محدود که بر فراز " توده موج " می‌خوانند این سنت وادامیه مایاکوفسکی شاعر بولاتین، شاعر، " انسانهای خیابان " و شاعر، شاعرهای جنگ است. پاپیلووا از زمره این شاعران است که قریب ۲۰ سال بی از مرگ مایاکوفسکی می‌گوید: " مایاکوفسکی همین درخشانترین چهره در شعر روسیه است. او ندای انقلاب روسیه را به کوهی کوهی رساند، همچنانکه ویتن آرازه انقلاب صنعتی و رشادتیاریک شالی را در جهان ساخت. مایاکوفسکی شعرا چنان باور می‌ساخت، که تقریبا همه اشعارش را مایاکوفسکی وارند "

مایاکوفسکی این اهنگر شعر زینتی را دوست می‌داشت، اما از آن کده شد. زورور قلمی او رشته زندگی را در ساعت دو پانزده دقیقه ۱۴ آوریل ۱۳۰۰ زهرم گشت. " هیولا نشی " او بر مرگ پرورد شد. او زنده است و بانگ رسد آسما او در کوشش است که می‌گوید: " من بسوی شما آمدم، بسوی کونستین فورست "

مایاکوفسکی اما، اکنون با ما ست.

✽ هویز: به سلححه روسی

به دلیل مجوز بودن مطلب از شماره گذاری خودداری شده و فقط

پیام کارگر

نیروهای نظامی دروسوی مز تا کی بردند. نخست وزیر چین دربار دیدار مزیور با سخاوت گویاچف نیز گفتگو کرد. لی نیگ در سرکوتت اصلاحات جاری در شوروی ماهیت سوسیالیستی دارند. هر یک در کشور شوروی خود برای ساختن سوسیالیسم را دنبال کند. این موضع برخلاف موضع

آفریقای جنوبی

کنگره ملی آفریقا بر طبق گفته نلسون ما ندلا تنها هنگامی که از مبارزه مسلحانه دست بردارد است که دولت آفریقای جنوبی کلبه زنده اشیا ن سیاسی را از آنگاه که در دوره وصیت فوق العاده شده دهد، ما ندلا طرفدار خودی زنده شد. مبارزه مسلحانه را اعلام نموده اما خود ستا را ن شکست این مبارزه بصورت منطقی صورت گرفته و هیچ وجه به دولت دژا بردستان ن بها ن ندهد. او اولین دورمذاکرات رسمی با دولت آفریقای جنوبی در تاریخ دوم ماه مه صورت خواهد گرفت.

نیکاراگوتنه

گروه‌های مسلح خدا انقلابی کشور را بر طبق توافق فکاتی کرد اما دولت ما ندلا ارتقا و نیز وزیر رئیس جمهور جدید ما ندلا نمونه دهد، در داغ خاک نیکاراگوتنه جسدش شده و اسلحه‌های خود را به نیروهای مسلح ما از ما ن ملل تحویل سدهند. ارتش نیکاراگوتنه نیز به مرور به صفوف نظامی خود در مقابل نیروهای مسلح سدهد.

از سوی دیگر ما ندلا ارتقا در آخرین اجلاس پارلمان فعلی نیکاراگوتنه، خطاب به ما ندلا اینک بگفت که شما بندهگان من منتخب شما بدانید برای کشتن زردن قوانین مربوط به دوره حکومت ما ن سینه‌بند شما را زده کرده و این قوانین را حفظ کنند. یو فانون اساسی ۱۹۸۸ را سرکشتن ما پذیرفته‌اند.

دولت ما ندلا ما ندلا قدا کثرت است. برای فاشنبیر قانون اساسی مزیور است.

من شاهد قتل ...

ادا ماه زلفحه ۴

آندای بودند، ظرا هر مردها و منافعین را میکشند: ما این سوخته شوروی بود. زنده را کلبه با جنگ و سوسیالیسم جا معده است. چنین اقدامی زنده بود و سینه همین خاطر مهم‌منظری به فتوای داد منده، اعتراض کرد. روزهای قتل ما ما ا ز مادی هلکیو پتر می‌فهمیدیم که همیشه به کوه درشت می‌آید. ما آن موقع هلکیو پتر بی - گوهر درشت رفت و آمد داشت. همیشه که ما در این راه که در کوه درشت " وظیفه شرعی " اش را پیش می‌برد و سوری رفت و آمد و هلکیو پتر آستفا ده می‌کرد. میگفتند همیشه به روزها وین و سه روز در کوه درشت، فرمان و حکم کشتار ما می‌دیکشند.

دیگوه درشت، درها را روی آملی تا نرسند. ایگان خون فرهنگی اسلامی، و در کارهای که می‌برون سند ده. کارگاه جمعی ما بود. سرپا کرده بودند. گروهی از ما بد را ن آموزش دیده ما مورکشترار بودند. آندای سرها بمان و را از دستترا دیده بودند. سرها سبیلشان را را کوشا کرده بودند و سوسیالیسم روی کوشا بمان را خراشیده بودند. ما ریش و سبیلهای حنا زده، بیوشین مشککی بلندپایه ما داشتند و بیوشین سینه ساه به گردن که روی سینه و شکم و پا آویخته بودند. ظرها ن وحشت مرگ به سینه زنده نشی می‌رسخت.

انگاهه دارد.



صدای کارگر

رادیوی ما زمین کارگران و کتک‌ها را می‌زنند

★ برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه
ریف ۷۵ متر برابر با ۲ مگاهرتز پخش می‌شود.
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار
می‌گردد.

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش می‌شود.

برنامه های صدای کارگر ویژه کرستان:
پوزهای شنبه، دوشنبه چهارشنبه ساعت
۶ بعد از ظهر به زبان کردی و لاری روی موج
کوتاه ریف ۷۵ متر برابر با ۲ مگاهرتز پخش
می‌شود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه
شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار می‌گردد.

پنجشنبه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه
پخش می‌شود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر
جمعه تکرار می‌شود.

Postfach 650226

1 BERLIN 65

Postfach 1124

5200 Siegburg 1

W.Germany

فرنیس های بنیادی و چگونگی باربرینوریس های تاریخی توسط
آن همچنان - به علت وقت آنها - به عنوان يك اسرار
شوریک کار آند عمل می‌کند. این کتبه به معنی آن نیست که
هرآنچه مارکس، انگلس و لنین گفته اند را باید بمعنوسان
بنویسند. بلکه مقصد تلقی نمودن آنها خطا ناپذیر نبوده و بدین
بیتی های خود اشتباه کرده اند.

ملا" لنین فکر می‌گردد سرمایه داری به عنوان يك سیستم
به مرحله ای رسیده است که مسابست تولیدی به مسابست
مادسی رسد. راس توسعه همه جامعه نیروهای برآورد عملی
می‌کند. این افتاد باور نسبت به فریب النوع بسودن
تحولات سرمایه‌داری در مقیاس بین المللی همراه بوده و به
نوبه خود تاثیرات مهمی بر تفکرات دوران آتازین ساختمان
سوسیالیسم و برآورد چشم اندازهای آن ارتداد شوروی‌گانت.
همچنین می‌زان کند که تعریف کلاسیک ایدئولوژی سوسیالیستی
(۳) به نویی ساده کردن سلبه کرایش یافته و تا حدی به
سنادورد تاریخی طبقه کارگر در تحمل یاره ای از جنبه های
فرهنگ مارکزیست که دولت سرمایه داری و دفاع از آنها کسم
بظور خلاصه . به افتاد مارکزیسم بلنکم اجتماعی است که



مارکس، لنین و آنگلس، ایران، ۱۳۶۹

اطلاعیه مطبوعاتی

اندام افسران ارتش و توطئه های حکومت اسلامی

روزششم اردیبهشت مطابق ۲۶ آوریل حکومت جنایتکار ایران اعلام کرد که ده افسر ارتش به
جرم جاسوسی و همکاری با آمریکا در چندروز آینده تبریران خواهند شد. این اقدام حکومت
اسلامی همانطور که در اطلاعیه مربوط به ترور دکتر کاظم رجوی آوریم بخشی از طرح تشدید
سرکوب و کشتار است. حکومت اسلامی که بیشترین جنایت و خیانت را در حق مردم ایران روا
داشته، ملاحیت رسیدگی به اتهامات اینچنینی را ندارد. حاکمان تهران از فرصت کثونی برای
تصفیه حسابهای درونی خود سودجسته و همچنین در جهت تشدید روشهای سرکوبگرانه و کشتار
مخالفان خود می‌کوشند. ما بی‌شاپسیتی این اعداها را محکوم کرده و همدار خود به همه مردم و
نیروهای سیاسی ایران و مردم آزادیخواه و مجامع بین المللی جهان را جهت مبارزه برای جلو
گیری از علی شدن طرحهای جنایتکارانه حکومت اسلامی ایران تکرار می‌کنیم:

دبیرخانه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۶ اردیبهشت ۶۹

۲۶ آوریل ۶۹

آیاسوسیالیزم شکست خورده است؟

(جوسلوو)

(قسمت دوم)

امکان تحقق نداشتن راه همه پیوندها با اختلالات طبقاتی
آزاد خواهند شد. فرادیده موجودین جامد تروریستوسا

لیسم، جامعده اخیر دارای ظرفیت آن است که به نفع رویه
نژادپد به اولویت ارزشهای نمایی مردم نسبت به ارزشهای
طبقاتی مبارزه و آنها را متخلف کند.

- شکاف نظیمی که بین سوسیالیسم دموکراسی سیاسی ایجاد
شده است نباید به عنوان نتیجه طبیعی موجوده اساسی دکترین
سوسیالیستی تلقی شود. این شیوه برخورد نادردهی خالصتر
کارنامه منفی سوسیالیسم موجود در زمینه حقوق بشر و جمعی
کرائی سرمایه‌داری آن است. به اعتقاد ما مارکزیسم با نراتحت
طرفدارسیستی است یعنی بر دموکراسی سیاسی تمسک یافته
و حقوق فردی - این سیستم تنها هنگامی می‌تواند واقفاسا
متحقق شود که جامعه در کلیت آن کنترل و هدایت همه
تروژها و منابع را اختیار داشته باشد.

- رابطه حیاتی بین سوسیالیسم و انترناسیونالیزم و اهمیت
عمیقش جانی طبقه کارگر نمی‌باشد به دلیل تحریف عاکی
که در گذشته صورت گرفته اند. اهمیت خود را از دستداده.
نونه های نادرست گذشته از جمله عبارتند: از: سائیزولیز م
افراطی دوران کینتین، زیر کرانه شدن آرزوهای بر حق ملی
توسط يك مفهوم تحریف شده از "انترناسیونالیزم"، رقابست
عای ملی بین و درداخل کتبرعای سوسیالیستی (مانسند)
نونه های گروهی های سلطنت (انترناسیونالیزم طبقه
کارگر همچنان یکی از رها بیخیش ترین ایددهای مارکزیسم بوده
و می‌باید معنای علمی موثری در شرایط بین المللی جدیدی پیدا
کند.
بظور خلاصه، به افتاد مارکزیسم بلنکم اجتماعی است که

۱۱۱ - تئوری مارکزیستی زیر حمله"

بگذاردیم بصورت گذرا به یاره ای مفاهیم گذرچروسان
بلنگهای بعد از شروع پرسترویکا مورد حمله قرار گرفته اند؛ درازیم:
- مارکزیسم براین باوراست که مبارزه طبقاتی موتور تاریخ بشری
است. (۱) بارای انظرسین فرمیدرطبقات سوسیالیستی به این
کرایش دارند که این تئوری را "مرده" بنام دلیل که مردسو
استفاده استالین و بورژواکراتراف وی برای توجیه خودکناکی
قرار گرفته است. مورد انکار قرار دهند. این نظریه امام به
عنوان توجیه تحولات اجتماعی در گذشته و هم به عنوان راهشای
استراتژی و تاکتیک برای دست یابی به نظم سوسیالیستی، یعنی
مبارزه ای که در آن طبقه کارگر نقش اصلی را ایفا می‌کند، همنس
معتبر است.

- رگده افتادای سوسیالیسم و کارنامه تکولوژیک مخسوران
فرمایش با دنیا سرمایه داری نمی‌باشد به مناسبت تولیدی
سوسیالیستی نسبت داده شود، بلکه به تحریف این مناسبات
مناسبت تولیدی سوسیالیستی موثرترین چارچوب برای آزادی
ظرفیت تولیدی بشر راستفاده از محمولات آن در جهت مناسبت
جامعه را فراهم می‌آورد.

- دکترین اخلاقی مارکزیستی بین افتاد به اینک ممنویت نیز
طبقاتی است و باور به اینک ارزشهای طبقه کارگر قبل از رفسر
جیز به لرحبیت ارزشهای انسانی توجه دارد. تناقضی بیاید
(۲) جداتی این مفاهیم مرتبط (دژتروئری ویرواتیک) زمینه
ای را فراهم نمودند بریستر آن جنایات بر طبقه مردم بناطبقه
توجیه شد. ماهمچنان براین باوریم که تنها درجامده کورنیستی
بی طبقه بدون استنثار است که ارزشهای بشری به نهایت درجه